

از خانواده چه می دانیم؟

۳



همراهی و همگامی

چاپ سوم

- روش دلبری -

محمد حکیمی

روش دلبری

پیشگفتار

خانواده بر چهار محور استوار است، و ثبات و پایداری آن به این چهار محور بستگی دارد:

۱. خداشناسی و دین باوری

۲. دوستی و احساس دیگر خواهی

۳. مسئولیت شناسی و تعهد باوری

۴. خوش رفتاری و نیک برخوردی

۱. عقیده و ایمان دینی از اساسی ترین انگیزه های درونی برای پذیرش هر حق و عدالتی و دوری از هر ناهنجاری و ستمی در محیط خانواده است. بدون این ایمان بنای خانواده از پای بست ویران و لرزان است، و اگر عشق های سوزان نیز زن و مردی را به هم پیوند دهد، و به تشکیل خانواده بینجامد چندانی نمیپاید، اگر ایمان استواری در کار نباشد.

۲. دوستی و محبت نیز از انگیزه های نیرومند درونی در پیوند زن و شوهری است. اگر این انگیزه کمرنگ شود، کانون خانواده به سردی میگراید، و پیوند همسری سست میشود و از هم میگسلد.

۳. تعهد باوری و مسئولیت شناسی در زندگی با همی و گروهی انسانها نقش حیاتی دارد. انسانهایی که مسئولیت شناس نیستند، یا اگر مسئولیتهای خویش را میشناسند، چندان بدان پایبندی نشان نمیدهند، رابطه همسری آنان بی پشتوانه است، و تعهد لازم را در برابر یکدیگر ندارند و خانواده را به بی ثباتی و تلاشی سوق میدهند.

۴. رفتارهای نیک و دل انگیز و انسانی هر همسری را جذب میکند، و ناخودآگاه به دوستی و مهرورزی بر می انگیزد، و سردی ها را از کانون خانواده می زداید، و روابطی ریشه دار پدید می آورد، و موجب دلربایی میگردد، و راه دلبری را هموار میسازد.

در میان این چهار عامل زیربنایی در خانواده، نقش دوستی را نمیتوان اندک شمرد؛ زیرا که دوستی در همه روابط گروهی و زندگی باهمی نقشی محوری دارد، و دوستی راز هستی، و رمز زندگی گروهی، و شیرازه کتاب خانواده، و فروغ همسری است.

زندگی در خانواده آنگاه شیرین و دل پذیر میگردد که دوستی پا به میان نهد، و زن را به درون دل شوهر و شوهر را به ژرفای روان زن ببرد، و این دو را برای یکدیگر دو دوست صمیمی بسازد. بدانگونه که هر یک سرنوشت دیگری را سرنوشت خود بداند و نسبت به آن تعهدی ریشه ای داشته باشد.

دین اسلام از همسران همین را خواسته است، و در قانونی کلی درباره دوستی گفته است: «...الدین هو الحب، والحب هو الدین»

➤ دین همان دوستی، و دوستی همان دین است.

هر یک از همسران باید به دوستی خود رنگ جاودانگی بخشند، و دوستی همسر را برای خدا قرار دهند، تا از رهگذر دوستی های ناپایدار بگذرند، و به دوستی جاودان و پایدار برسند. برآستی زن شوهر را و شوهر زن را برای خدا و نزدیکی به او دوست بدارد، و این دوستی را خدایی و آخرتی سازد.

و آنگاه که زندگی باهمی آغاز میگردد، و انسان در کنار دیگری قرار میگیرد، معیار ارزش مقدار دوستی است، و هر کس دیگری را بیشتر دوست دارد برتری دارد.

امام صادق (ع): إن المسلمین یلتقیان، فافضلهما اشدهما حبا لصاحبه.

➤ دو مسلمان با هم دیدار میکنند، افضل از این دو، آن است که رفیق خود را بیشتر دوست میدارد.

نیز باید توجه داشت که دوستی از مهارتهای زندگی است، و این مهارت زیربنا و محور همه روابط سالم و انسانی در خانواده و اجتماع است. میتوان گفت این مهارت بر مهارتهای دیگر زندگی برتری دارد؛ زیرا تنها مهارتی است که پیوندها را ناگسستنی میسازد، و به گرایش ها و دل بستگی های خستگی ناپذیر می انجامد، و فداکاری های بی مانندی را پدید می آورد، چون ریشه در دل و درون انسان دارد.

مهارتهای ارزشمند دیگری در ارتباط های گروهی وجود دارد؛ چون قانون گرایی، اخلاق محوری، تعهدباوری و... لیکن مهارت دوستی که موضوعی درونی است اگر بر عقیده توحیدی استوار گردد، زیربنای همه روابط است؛ زیرا ضوابط و معیارهای دیگر گرایی و زیست گروهی باید بر عاطفه دوستی استوار گردد، و اصول لازم برای زندگی را درونی سازد.

انسان است و دل او و دیگر هیچ، و دل بردن، و دل به دست آوردن، و دل شاد کردن از ره آوردهای آن است؛ زیرا که حسابگری های عقلانی بیشتر به خودخواهی و سود پرستی می انجامد و از خود گذشتن و دیگر دوستی را به دست فراموشی می سپارد. پس این دلبری و دلربایی و تسخیر دلها کاری انسانی است که با بهترین اعضای انسان یعنی قلب و دل انجام میگیرد، و بر چکاد انسانیت ها قرار دارد. دل طبق برخی احادیث ظرفی خدایی است، و باید همواره انگیزه های خدایی داشته باشد.

پیامبر (ص): خداوند در زمین ظرفهایی دارد، گرمی ترین آنها نزد خدای بزرگ، ظرفی است که پاک (و بیزنگار) و مهربان و صخره سان باشد. و این ظرفها یعنی قلبها. نرمی قلب، مهربانی نسبت به برادران است... .

از منظر امام علی (ع) نیز این ظرف خدایی آنگاه سالم است که به دیگر دوستی روی آورد، و برای دیگران آن بخواهد که برای خود میخواهد:

امام علی (ع): لا یسلم لک قلبک حتی تحب للمؤمنین ما تحب لنفسک.

➤ دل تو ره به سلامت نخواهد برد مگر اینکه برای مؤمنان همان را دوست بداری که برای خود دوست میداری.

دل باید راه دلربایی در پیش گیرد، و به دلبری دست یازد، و در جامعه پیوستگی و انسجام اجتماعی پدید آورد، و در خانواده گرمی و صمیمیت بیافریند، و از این حقیقت هیچگاه غفلت نرزد، واز هرگونه دشمنی و کینه توزی یا بی احساسی و بی مهری دوری گزیند.

امام علی (ع): دلها تان را از کینه توزی پاک سازید، که آن بیماری مسری است.

در خانواده اگر دوستی ها دلبرانه گشت، و هر یک از همسران در درون دل دیگری زیستند، پیوندشان ناگسستنی میگردد، و خوشی و شادی، زندگیشان را فرا خواهد گرفت، و در همه فراز و نشیب ها و تنگناها و سختی ها این دوستی پایدار میماند، و مایه فداکاری و از خود گذشتگی میگردد. روش و آیین دلبری باید با شناخت و مهارت انجام گیرد، و از بی ضابطگی و زیاده روی و کم انگاری - و افراط و تفریط - به دور باشد؛ زیرا که دلربایی و دلبریهای بی ضابطه گهگاه نتیجهای واژگونه دارد.

در این رساله کوشش شده است، پاره ای از آیین دوستی های ماهرانه و دلبری های هوشیارانه را روشن سازد، تا در زیست گروهی، بویژه خانوادگی، گرمی، صفا و باهمی و پیوندهای ریشه داری پدید آورد؛ ان شاء الله تعالی.

ایمان به خدا

ایمان به خدا زیربنای همه باورها و اندیشه های انسانی است. زندگی ها در پرتو دو معیار اصلی سامان می یابد، و از هرج و مرج و ناسازگاری میرهد، و به آسایش و آرامش میرسد. این دو معیار، همگانی و همه جایی است: نخست معیار اخلاق، و دوم، معیار قانون.

قانون، جامعه انسانی را به چه کوچک و چه بزرگ - از جامعه جنگلی جدا میسازد، و به آن نظم و ضابطه میبخشد، و اخلاق، روابط مردمان را انسانی و ارزشی میسازد، و به همگرایی ها و همزیستی ها چهره ای نیک و انسانی می بخشد. این هر دو به ایمان خدایی نیاز دارد، تا بر پایه و اساسی بنیادین استوار گردد. از این رو گفته اند که عقیده و ایمان، ضامن اجرای درست قانون است. هیچ ملاک و معیاری برای ریشه دار شدن قوانین، کار ایمان خدایی را نمیکند.

اصول اخلاقی نیز اگر بر باور ارزش های الهی استوار نگردد چندان رعایت نمیشود، و به همه بخشهای زندگی فروغ نمی بخشد اگر تعهد و وفاداری هر یک از همسران براساس قوانین باشد، و حقوق هر یک موجب مسئولیت پذیری او گردد، و یا ارزشهای اخلاقی زمینه همزیستی مسالمت آمیز گردد، و یا بر اثر پاسخگویی به نیازی غریزی صورت گرفته باشد، و یا برای فرزندداری و تداوم خانواده تحقق یابد؛ اینها هر یک ارزش خود را دارد، لیکن هیچگاه به ارزشهای الهی و جایگاهی که خداوند برای انسانها معین کرده است، نمی رسد.

روشن است که اگر انسان به شریک زندگی خود، به عنوان امانت الهی بنگرد، و خود را - در مجموعه رفتارها با او- در برابر خداوند مسئول بشناسد، و طرف او در همزیستی و احترام متقابل، خدا و پاداش و کیفر آخرتی باشد، با حسابرسی های قانونی و سرزنش وجدان و نیازهای طبیعی قابل مقایسه نیست. نیازهای طبیعی پس از مدت زمانی فروکش میکند، و مسئولیت های قانونی با انواع شگردها و نیرنگها راه گریز دارد، و داده های اخلاقی را نیز با خودفریبی میشود زیر پا گذاشت، لیکن حسابرسی های خدایی راه فرار ندارد.

قوانین و مقررات اجتماعی و اخلاقی در صورتی کارایی لازم را دارد که بر پایه عقیده و باور نظارت پنهانی خدایی قرار گیرد، و در این صورت است که گزینه های سرکش درونی با ایمانهای راستین مهار میگردد؛ زیرا که علل و عوامل دیگر در مهار آنها چندان توانایی ندارد.

امام رضا «ع» ... هر کس خدای بزرگ را باور نداشته باشد از گناهان دوری نمیکند... و در تباهاکاری و ستمگری که دلخواه او باشد و از آن لذت برد، پروای هیچکس را ندارد... و منع از فساد و تباهی و امر به صلاح و نیکی و بازداشتن از کارهای بد و زشت، پس از آن ممکن می شود که مردمان خدای بزرگ را باور داشته باشند، و فرمان

دهنده و نهی کننده را بشناسند. اگر اعتراف به خدا و ترس باطنی از او نباشد، هر کس بنگرد که به شهوت و خواست خود در خلوت دست یافته، دیگر پروایی نمیکند...

بنابر این پایداری مردم و صلاح حال آنان به اعتقاد به خدایی بستگی دارد که دانا و آگاه از پنهان و آشکار آدمیان است...

همچنین باید توجه داشت که کوچکترین حق ها و حقوق ها تا بزرگترین آنها خدایی است، و از حقوق خداوند ریشه میگیرد. این باور، اصالت و ارزشی برتر از حقوقهای قراردادی، به حقوق می بخشد، و مسئولیت شناسی بی مانندی در آدمیان پدید می آورد.

« منشأ نخستین برای همه حق ها در جهان بینی الهی، خدای متعال است و حق خدا. هر حق و هر واجب از حق خدای متعال | سرچشمه میگیرد، و به آن باز می گردد، و به همین جهت رنگ خدایی دارد...»^۱

امام سجاد «ع»: بدان که خدای بزرگ را بر تو حقوقی است که سراپای تو را فرا گرفته است: در هر حرکتی که انجام دهی، در هر سکونی که به آن پردازی... در هر منزلتی که دارا شوی، در هر عضوی که آن را بگردانی، و در هر افزاری که به کاربری...

بزرگ ترین حق خدا بر تو حق خود خداست که اصل دیگر حقوق است، و همه حق های دیگر از آن ریشه میگیرد... .

از این رو می نگریم که خدا باوران راستین حق و حقوق کوچک و بزرگ را پاس میدارند، و همواره حسابرسی خدایی را در نظر دارند. اکنون هر یک از همسران اگر به دیگری به عنوان عضوی از خانواده خدایی بنگرند، به روابط خود اصلتی بی مانند بخشیده اند.

پیامبر «ص»: الخلق کلهم عیال الله، فأحبهم إلی الله - عز وجل - أنفعهم لعیاله...^۳

< آفریدگان همه عیال (و اعضای خانواده) و نان خور خدایند؛ پس محبوب ترین آنان در نزد خدا کسی است که برای عیال (و خانواده) خدا سودمندتر باشد... و اگر هر یک دیگری را نزد خود امانت خدایی بدانند، در امانتداری می کوشند. |

پیامبر (ص): برادرم جبرئیل که همواره نسبت به زنان سفارش می کرد بدان گونه که پنداشتم کلمه ناخوشایند «اف» نسبت به آنان روا نیست، چنین گفت: ای محمد! درباره زنان از خدا بپرهیزید؛ چون ایشان... به عنوان امانت و ودیعه خدایی نزد شمایند، و بر شما حقوقی واجب دارند....

این معیارهاست که مسئولیت شناسی بی مانندی پدید می آورد، و پایه احترام های متقابل میگردد، و این احترام ها زمینه دوستی های ریشه دار می شود، و راه دلربایی و دلبری را همواره میکند

اخلاق نیک

اخلاق چهره درونی و باطنی انسان است، و چون دوستی و دلبری باید از درون سرچشمه بگیرد، و پایه های آن بر دل و درون استوار باشد، ناگزیر باید چهره واقعی و سیمای انسانی انسان، یعنی اخلاق او نیک و خدایی باشد، تا زمینه اساسی برای گسترش دوستی گردد و زن و شوهر را با شیوه دلبری خوی گر سازد.

آنچه در تجربه همه روزه آدمیان به اثبات رسیده است دلربایی و جاذبه های بی مانند اخلاق های نیک و انسانی است. انسانها بدون استثنا از گفتگو با افراد تربیت یافته و دارای اخلاق نیک لذت میبرند، و تعامل با آنان را دوست دارند، و به زشت سیرت های بد اخلاق و پر خاشگر نفرت می ورزند.

امام صادق (ع): ... حسن الخلق مجلبه المحبه: اخلاق نیک دوستی را بر می انگیزد (و شکوفا می سازد).

در هسته اصلی زندگی یعنی خانواده این اصل باید از درخشش ویژگیهای برخوردار باشد، و بر تن و روان همسران پرتو افکند، تا روز به روز بر نزدیکی ها و یگانگی ها بیفزاید، و از هرگونه سردی و دل زدگی پیشگیری کند و برآستی زمینه ای برای دلربایی و دلبری گردد. امام علی «ع»: حسن الخلق، یورث المحبه، ویؤكد الموده: اخلاق خوب، دوستی پدید می آورد، و پیوند محبت را استوار می سازد.

در هر خانواده مسائل جدی پیش می آید، و اختلاف سلیقه ها ناهمخوانی و ناهمسانی پدید می آورد. در این گونه موارد با مدیریت درست و منطقی میتوان بحران های خانوادگی را مهار کرد، در صورتی که ناسازگاری ها و ناهمسانی ها با اخلاق انسانی همراه باشد، و از هرگونه بد اخلاقی و پر خاشگری پرهیز شود، و با منطق و اخلاق گر از کارها گشوده گردد. زنان و شوهران باید نیک توجه داشته باشند که با رعایت معیارهای اخلاقی و پاسداری از حریم ها و حرمت ها، هر موضوعی بهتر حل خواهد شد، و سازگاری و همفکری بیشتر پدید خواهد آمد.

در بروز نوسان ها در زندگی خانوادگی، زنان و شوهران بسیار حساس میشوند، و گفته ها را بیشتر می سنجند، و برخورد ها و حرکات چهره و اندام یکدیگر را بیشتر مورد دقت قرار میدهند، و از آنها عکسبرداری میکنند، و به خاطر می سپارند. از این رو رعایت اخلاق ضروری تر است، و مهارت و مدیریت در این گونه پیشامدها کارساز است، و دشوارترین نابسامانیها را به سامان می آورد، و به دلباختگی و عشق هیچ یک از همسران آسیبی نمی

رساند؛ بلکه اگر بحرانه‌ها و برخوردها با مهارت مدیریت شود، و آیین اخلاق فراموش نگردد، می‌تواند بر دوستی‌ها بیفزاید، و دیگری را به شگفتی وادارد که با این برخورد و درگیری که پیش آمد، رفتاری ناشایست انجام نگرفت، و سخنی زشت بر زبان نیامد. و این خود زمینه بسیار مناسبی برای افزایش دوستی میان همسران می‌گردد، و آیین دلبری را استوارتر می‌سازد. امام صادق «ع»: «مجامله الناس، ثلث العقل: یک سوم عقل (و خردمندی)، سازگاری و خوش رفتاری با مردم است. این خوش رفتاری و سازگاری در روابط خانوادگی و میان همسران لازم تر و ضروری تر است.

شناخت همسر

در همگرایی و همزیستی، شناخت همگرایان و همزیستان ضرورتی تردید ناپذیر دارد؛ زیرا ارتباط‌های شناخت محور پایدار می‌ماند، و نبود شناخت کافی چالش‌های فراوانی پدید می‌آورد، و فرجام خوشی در پی نخواهد داشت.

دو انسان که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، هیچ نوع رابطه‌ای میان آنان وجود ندارد، مگر آنگاه که از یکدیگر شناختی بیابند، و هر یک دیگری را به طور نسبی درک کند، و ویژگی‌های او را بشناسد، و از نقش او در زندگی خویش آگاهی یابد، و او را به نوعی تکامل بخش زندگی خود بداند.

اگر به طور نسبی چنین آگاهی‌هایی نسبت به دیگری یافت، با او پیوندی آگاهانه برقرار می‌کند، و از این رو این پیوند را ارزشمند می‌شمارد، و به اندازه شناختی که از آن دارد بدان اهمیت می‌دهد.

این موضوع در کمترین ارتباط‌ها و بیشترین و طولانی‌ترین رابطه‌ها وجود دارد. و اگر از سر تصادف و برخورد رابطه‌ای برقرار شود، هدفدار نیست و چندان ماندگاری ندارد.

نکته مهم در هر رابطه هدفداری آن است؛ زیرا رابطه‌ها و همگرایی‌های گروهی مانند همه رفتارهای فردی و گروهی باید هدفدار باشد، و ره آورد و سودی را در نظر گرفته باشند، این موضوع نیز شناخت و آگاهی را ناگزیر می‌سازد. همگرایی‌ها بدون برخورداری از هدفی روشن، از محتوا و معنا تهی است و سودی در بر ندارد، و چندان پایدار نیست.

رعایت ویژگی‌های اخلاقی هر یک از دو همزیست، از زمینه‌ها و عوامل زیربنایی در پایداری همزیستی است. آنها که با یکدیگر همگامی و همکاری را آغاز میکنند هر چه بیشتر ویژگی‌های یکدیگر را بدانند، و آنها را رعایت

کنند بیشتر می توانند با یکدیگر رابطه برقرار کنند. تردید نیست که هرگونه همگامی و همزیستی اگر با رعایت ویژگیهای اخلاقی همراه باشد، استوار می ماند، و از هرگونه ناسازگاری و تنش به دور خواهد بود.

این معیار نیز در پرتو شناخت حالات روحی و روانی دیگری ممکن است. در پیوند همسری که از مهم ترین پیوندهای گروهی است، و هسته اصلی همه پیوندها را تشکیل میدهد، شناخت و آگاهی از چگونگی ها و حالات همسران، زیربنای روابط خانوادگی است.

چنانکه یاد کردیم، سه محور در روابط گروهی - بویژه همسری - زمینه اصلی یگانگی است و در هر سه محور، شناخت لازم است؛ یعنی دو انسان از یکدیگر بیگانه اند و به اندازه شناخت یکدیگر از بیگانگی فاصله می گیرند و به یگانگی می رسند. دیگر اینکه برای سلامت این همگرایی و همزیستی باید ویژگیهای روحی - روانی و اخلاقی و حتی هنری و احساسی یکدیگر را رعایت کنند، و ذوق و سلیقه های یکدیگر را محترم شمرند. رعایت این معیار نیز به شناختی اصولی نیاز دارد. و سرانجام اینکه در این بزرگ ترین همگرایی، یعنی زن و شوهری، باید هدفی - یا هدفهایی - در کار باشد، و همسران باید در جستجوی آرمانی باشند، و این نیز شناخت یکدیگر را ناگزیر می سازد.

بدون این شناختها امکان ندارد هر یک از همسران بتوانند خشنودی خاطر دیگری را به دست آورند، یا او را به سوی خویش جذب کنند، و دل و روان او را خرسند و فریفته سازند، و برای او نقش دلبر و دلربا داشته باشند. امام باقر «ع»: ادفع عن نفسک حاضر الشتر بحاضر العلم: بدی و شر موجود را، با علمی که داری، از خود دور کن...

هیچ بدی و ناهنجاری و شری از ناسازگاری و ستیزه گری در خانواده بدتر نیست. ناسازگاری و درگیری، زندگی خانوادگی را به تلاشی میکشاند، و اگر بر فرض، تداوم یابد هیچ گونه آسایش و آرامشی در آن وجود ندارد، و اگر فرزندان حضور داشته باشند، کانون عقده های روانی و شخصیتی میشوند. در پرتو شناخت و آگاهی است که هرگونه ناسازگاری رخت بر می بندد، یا به حداقل میرسد و آن حداقل نیز قابل پیشگیری و مدیریت است. امام رضا «ع»: العلم لجمع لإهلیه من الآباء: علم (دانایی و شناخت)، دارندگان خود را بهتر از پدران گرد هم می آورد. شناخت است که ضرورت یگانگی را آشکار می سازد، و راههای رسیدن به آن را می آموزد، و شیوه های پیشگیری از درگیری و ناسازگاری را روشن میکند، و ارج و منزلت هر انسان را در نظر دیگری برتری می بخشد. روابط ایدئولوژیکی و مرامی که پیوندی آهنین است، برای همین شناخت افراد از یکدیگر و از راه و مرام همدیگر است. همسران باید زندگی باهمی را بر شناخت دقیق یکدیگر استوار سازند، و زیستی آگاهانه داشته باشند، تا

گام به گام از همسری به دل‌بستگی راه یابند، و از دل‌بستگی به دل‌ربایی و دل‌بری برسند، و چکاد همگرایی را بنگرند، و هر یک در ژرفای دل دیگری زندگی کنند.

همکاری و همیاری

دلبران با همکاری و همیاری می‌توانند در بهترین نقطه‌های دل دلبر خود جای گیرند، و دوستی ریشه‌داری را پایه‌ریزی کنند که به هیچ‌روی آسیب‌نبیند، و با گذشت روزگاران کاستی‌نگیرد، و نوسان‌های زندگی آن را دستخوش خویش نسازد. یکی از راه‌های این دل‌بری و دل‌ربودن، همکاری و همیاری است، بدانگونه که در هر کاری هر یک بر دیگری پیشی بگیرد. این وجدان زلال انسان‌هاست که هرگاه کسی به آنان در هر زمینه کمک رساند، یا دست آنان را در دشواریها گرفت، نسبت به او احساس دوستی و دل‌بستگی میکنند، و به اندازه همیاری‌ها، دوستی‌ها نیز افزون می‌گردد.

این حکمت‌والای علوی بیانگر همین حقیقت تردید‌ناپذیر است: «الانسان عبد الاحسان»: نیکی‌ها آدمی را برده (نیکوکار) می‌سازد.

همسران اگر می‌خواهند به زندگی دلبرانه و عاشقانه برسند، باید هر یک یار و یاور یکدیگر باشند، زن اگر می‌تواند در کارها - حتی بیرون از خانه به مرد یاری رساند، و مرد اگر توان دارد در کارها - بویژه کارهای درون خانه به دستیار زن باشد و هر یک یاری‌رسانی را شیوه خویش سازند، تا همسری براساس دل‌انگیزی و وفاداری استوار گردد، و یکرنگی و دلدادگی بی‌مانندی میانشان پدید آید، و زیر و بم‌های زندگی نتواند آن را کم‌رنگ سازد، و گذشت روزگاران در آن اثر نگذارد.

این اصلی قرآنی است که باید در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی پرتو افکند و راهگشای همکاری و همیاری گردد: تعاووا علی البر والتقوی: در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید....

این آیه کریمه خطاب به جامعه کوچک و جامعه بزرگ است، و کلیت آن نخست خانواده را در بر می‌گیرد، تا دوستی‌ها را به سراسر جامعه انسانی گسترش دهد و جامعه کوچک خانواده نیز آن را سرلوحه کار خویش بداند.

پیامبر (ص): جبلت القلوب علی - من أحسن إلیها، وبغض من أساء إلیها: دوستی با کسی که به انسان نیکی کند، و دشمنی با کسی که با انسان بدرفتاری پیشه سازد، در دلها سرشته شده است و تداوم این دوستی در صورتی است که نیکی و همیاری پیوسته ادامه داشته باشد.

امام علی (ع): من أحسن إلى الناس، اشتدء منهم المحبة: هر کس به مردم نیکی کند، همیشه او را دوست خواهند داشت.

سیره و روش پیشوایان دین بر همین اصل قرار داشته است که دستیار همسران خود باشند.

امام باقر «ع»: فاطمه «س» در خانه علی «ع» متعهد شد که کارهای خانه و خمیر کردن و نان پختن و جارو کردن را انجام دهد؛ علی «ع» نیز متعهد شد که کارهای بیرون از خانه را به انجام رساند، یعنی آوردن هیزم و تهیه غذا و خوراک...۳

نیز امام علی «ع» از پیامبر «ص» روایت میکند:

پیامبر «ص» به خانه ما آمد، در حالی که فاطمه جلو دیگ نشسته بود و من عدس پاک میکردم... پیامبر فرمود: یا علی!..... هر کس در خانه به همسر خود کمک کند و او را غرور نگیرد، خداوند نامش را در دفتر شهیدان ثبت میکند...

یا علی! هر کس در کمک کردن به زن در کارهای خانه غرور نرورد، این همکاری، کفاره گناهان کبیره او میگردد، و خشم خداوند را فرو مینشاند، و مهریه فرشتگان بهشت میشود، و بر کارهای نیک و درجات او میافزاید.

یا علی! به زنان خدمت نکنند مگر صدیقان و شهیدان، یا کسانی که خداوند برای آنان خیر دنیا و آخرت را خواسته است.

چشم پوشی

بی گمان میان دو تن که هم زیستند، و شریک زندگی یکدیگرند، هر چه صمیمی و یگانه باشند، گهگاه رفتار یا گفتاری پیش می آید که دیگری را می رنجاند، و گاهی پیشامد چنان ناهنجار است که دیگری را برآستی خشمگین می سازد، و به دلبری و دوستی زیانهای فراوانی وارد میکند. در این گونه موارد تنها چاره، چشم پوشی و گذشت است. اگر پس از هر بدرفتاری گذشت پیش آید، کینه رخت بر می بندد، و اصل دلبری بازسازی میشود.

در برخی منابع آمده است که پیامبر «ص» فرمود: از یکدیگر گذشت کنید تا کینه های میان شما از میان برود.

پیامبر دانا به اسرار و رموز ناشناخته انسان، عفو را عامل کینه زدایی می شمارد. چشم پوشی افزون بر اینکه کینه توزی و بدبینی و دلزدگی را ریشه سوزی میکند، در دل همگرا و همزیست نسبت به خود احساس بزرگی و سربلندی پدید می آورد؛ زیرا بی گمان انسان پس از اشتباهی که از او سر زد، آنگاه که با گذشت و چشم پوشی دیگری رو به رو گردید، در درون نسبت به خود احساس شرم میکند، و نسبت به دیگری احساس بزرگی و مردانگی. این احساس که سرشت فطری هر انسان است، موجب میشود که گذشت کننده عزیز و ارزشمند جلوه کند، و منزلت و ارزشی والا بیابد.

هرگاه یکی از همسران در رخدادی گذشت پیشه کرد، و در دل دیگری عزیز و گرامی گشت، پیوند همسری ناگسستنی تر میگردد، و رابطه همسری به چکاد دلربایی و دلبری پر می کشد، و دلبریها را ریشه دارتر میسازد. پیامبر «ص»: «علیکم بالعفو؛ فان العفو لا یزید العبد الا ترا. فتعافوا کم الله: گذشت و چشم پوشی را پیشه سازید؛ زیرا که گذشت جز به عزت و سربلندی بنده نمی افزاید. پس، از یکدیگر چشم پوشی کنید تا خداوند شما را سربلندی و بزرگواری بخشد.

این اندیشه ای شیطانی است که چشم پوشی از رفتارهای ناشایست، زبونی و ناتوانی است و توانمندی آن است که انسان در برابر بد رفتاری ها موضعگیری کند، و کردار یا گفتار دیگری با همسر را پاسخی دندان شکن بدهد؟! این اندیشه و این روش مایه گسستن پیوند دوستی و یگانگی میگردد، و با تکرار آن دل زدگیها و کینه توزی ها پدید میآید، و کم کم دوستی و دلبری را کمرنگ میسازد، و زندگی باهمی را به سقوط میکشاند.

در برابر برخی کردارها با گذشت می توان دلها را پاک کرد، و ریشه هرگونه بدبینی و سردی از بن برآورد، و این حکمت نبوی را راهگشای زندگی دلبرانه قرار داد. پیامبر «ص»: «أغف عنهم تشتلخ به قلوبهم...»: «از آنان (که بد رفتاری کردند) گذشت کن تا دلهاشان را با خود آشتی دهی (و سازگار سازی)...

گذشت باید گذشتی انسانی و زیبا باشد، و به تعبیر قرآن کریم: صفح جمیل» و چشم پوشی و گذشتی نیک انجام گیرد؛ یعنی گذشتی که کمترین برخوردی ناشایست را در پی نداشته باشد.

(..... فأصفح الصفح الجمیل: گذشت کن، گذشتی نیک. سوره حجر ۸۵/۱۵)

اگر دوستان و دلبران از دوست و دلبر خود رفتاری ناشایست دیدند، و هیچ گاه آن را بر زبان نیاوردند، و رفتار و گفتار کنایه آمیز نیز از خود نشان ندادند، و هرگز آن رفتار نادرست را یادآوری نکردند، برآستی در دل دوست خود خیلی عزیز میگردند، و پیوندها ریشه دارتر میگردد. و هر چه این گذشتها تکرار شود دوستیها را آسیب

ناپذیر و جاودانه تر می سازد. امام رضا «ع» درباره آیه یادشده فرمود: « فؤ من غیر عقوبه، ولا تغنیف، ولا عتب » :
(گذشت نیکو) گذشت بی کيفر، و نکوهش و سرزنش است.

اخلاق اسلامی و انسانی این است که با گذشت های انسانی، ناهنجاریها را به دست فراموشی سپرد، و آثار آن را از ژرفای دلها شست، تا گذشت زیبای قرآنی پدید آید، و کانون دلبری ها را بیش از پیش گرم و روشن سازد.

نیک گفتاری و خوش لفظی

زبان تأثیرگذارترین عامل در زندگی باهمی است. انسان آنگاه که در کنار دیگری قرار می گیرد، نخست با نگاه و از راه چشم رابطه برقرار میکند، و سپس از راه کلام و گفتار.

معنا و مفهومی را که انسان میخواهد به دیگری گزارش کند، و در او تأثیر بگذارد، با الفاظ و واژه های گوناگون می تواند انجام دهد. هر انسانی که می خواهد پیام رسانی کند، یا از راه گفتگو با دیگری دمساز شود، و آنچه را در درون و اندیشه دارد برای او بازگو کند، باید تنوع موجود در واژه ها و تعبیرها را بشناسد. این زبان شناسی ضروری است؛ زیرا هر سخن و کلمه ای تأثیرگذاری ویژه ای دارد، و برخی تعبیرها و واژه ها همگرایی را استوارتر میسازد، و برخی آن را گسیخته و از میان می برد.

با توجه به این حقیقت باید در گزینش واژه ها و کاربرد کلمات ژرف نگریت، و در گفتگوها - بویژه میان زنان و شوهران - باید به معیارهای لازم در گزینش واژه ها و نوع تعبیرها توجه داشت، تا دلزدگی و سردی به بار نیاید، و بر همبستگی و همگرایی و تفاهم بیفزاید، و دلربایی و دلبری پدید آورد.

قرآن کریم در قانونی فراگیر به زیباگویی و نیک گفتاری با همه مردمان فرا میخواند: «... و قولوا للناس حسنا...: با مردمان زیبا و نیک سخن بگویید.

سخنان زیبا و همراه با شیوه های تربیتی و اخلاقی، کاری خدایی است، و به سوی خدا می رود، و در جامعه انسانی زمینه یگانگی و دلدادگی میشود و سخنان نازیبا، شیطانی، و پلید و نا انسانی است و عامل ناسازگاری و کینه توزی و دوری میگردد. « و... إلیه یصعد الکلم الطیب: سخن پاک به سوی او بالا میرود... فاطر۳۵».

هر چه خدایی است کانون زیباییها، دوستی ها، مهرورزی ها و پیوستگی هاست، و در رابطه همسری تأثیر ژرف دارد و زشت گفتاری و بد لفظی شیوه های نا انسانی است که جز دلزدگی و ستیزه گری ره آوردی ندارد و استوارترین پیوندها را از هم می گسلد.

سخن و کلام چون دانه ای است که آدمی در سرزمین دلها می پاشد، و هر چه را کشت همان را درو میکند، و بی گمان گندم از گندم بروید جو زجو. امکان ندارد سخنان نازیبا و ناهنجار بر زبان آورد، و مهربانی و خوبی برداشت کند. پس اگر از دانه و بذر خود - که مجموعه گفتارهاست به محصولی نیک و انسانی انتظار دارید، باید واژه ها و تعبیرهای انسانی به کار برید، و برزیگران دشت دلها باید بذر نیک بپاشند، تا دلها را شکار کنند، و دلبستگی ها افزون گردد، و دلربایی رخ نماید، وگرنه انتظاری ناممکن است.

امام علی (ع): مغرس الکلام القلب...: کشتگاه گفتار (و واژهها) دل و روان آدمیان است...

باید به واژه ها به عنوان دانه و بذر نگریست، و نوع نیک و زیبا و انسانی آن را برگزید، و از نوع نازیبا و غیراخلاقی سخنان دوری کرد، تا به هدف والای همبستگی دست یافت و رمز و راز دلبری و دلربایی را به دست آورد، تا ریشه هرگونه بیگانگی و دلسردی را از بن خشکاند.

امام علی «ع»: بسا کلامی که زخمی عمیق پدید آورد.

از سخنان زشت و خشن، نفرت آور تر وجود ندارد، که هر دلبری و همگرایی را از میان می برد.

امام علی «ع»: «ایاک و ما یستهجن من الکلام فانه... ینفر عنک الکرام: زنهار از به زبان آوردن سخنان زشت که بی گمان... انسان های گرانمایه را از تو می رماند.

آنان که در جامعه کوچک خانواده، و جامعه بزرگ اجتماع، در پی آسایش و خوشی هستند، باید از به کار بردن واژه های زشت دوری کنند، و همواره و با همگان کلمات زیبا بر زبان آورند، تا از زندگی خانوادگی و اجتماعی لذت برند، و همزیستی و همگرایی در کام آنان گوارا باشد.

امام علی «ع»: من ساء لفظه ساء حظه: هر کس واژه های نازیبا بر زبان آورد بهره (و لذت) او از زندگی بد و نازیبا باشد.

ارزش همسران به دلربایی آنان است، و دلربایی به دانستن آیین دلبری، و سخنان توهین آمیز ارج و بهای هر یک از همسران را نزد همسر خود کاهش میدهد، و از دوستیها می کاهد.

امام علی (ع): «سوء المنطق یزری بالقدر ویفسد الأخوة... سخنان زشت ارزش و منزلت هر کس را لکه دار می سازد و برادری (و دوستی) را تباه میکند.

نیک گفتاری و تأثیر آن بر پیوند زن و شوهر، بویژه مورد تأکید قرار گرفته است: امام سجاد «ع»: القول الحسن... یحبب إلى الأهل: گفتار نیک... آدمی را نزد خانواده محبوب و دوست داشتنی میگرداند.

این آموزه های جاودان است که بنای خانواده را استوار می سازد، و دلربایی و دلبری پدید می آورد که نوسان های زندگی نمی تواند در آن تأثیری بگذارد.

رعایت ویژگیها و سلیقه همسر

انسانها چنان که اندیشههای گوناگونی دارند، از ذوق و سلیقهها و احساسهای هنری متفاوتی نیز برخوردارند. چنانکه یکسانی و یگانگی در همه باورها و اندیشه ها یافت نمیشود، در سلیقه ها و ذوق ها نیز یکسانی چندانی به چشم نمیخورد. نزدیکی و همخوانی وجود دارد، لیکن یکسانی و یگانگی کامل در گرایشها و گزینش های آدمیان وجود ندارد. با توجه به این موضوع در زندگی مشترک، همسران نخست باید به این اصل توجه داشته باشند، و در گام های بعد آن را در رفتارها رعایت کنند، و هر یک به سلیقه و گرایش دیگری احترام بگذارد.

این موضوع در همه بخش های زیست انسانی وجود دارد؛ چون انتخاب رنگ ها، مزه ها، نوع لباسها، مسکن ها، وسایل آرایشی و آسایشی و تفریحی و...

اصل تحمیل و وادار کردن دیگران به همراهی و همسانی عملی نیست، و اگر وادار کردن ها به ظاهر نتیجه بدهد، و همراهی ظاهری را موجب گردد، پایدار نمی ماند، و پس از کنار رفتن اجبارها، راه طبیعی خود را در پیش می گیرد و یا مخفی کاری و دو رویی را پدید می آورد.

اختلاف ذوق و سلیقه ها اصلی است که بر ماهیت آفرینش انسانها استوار است و موجب پیدایش دنیای گسترده زیبایی ها و تنوع هاست. انسانها چنانکه همسانی ها و یگانگیهایی دارند، باید در شیوه های زندگی گونه گون باشند، تا جریان تکامل در برخورد رفتارها و سلیقهها در بخشهای زندگی تحقق یابد و آنها را از یکنواختی برهاند، و پویا و پیشرو سازد.

« و من آیاته خلق السموات والأرض واختلاف السننکم و الوانکم فی ذلک لآیات للعالمین»: و از نشانه های (آفرینش حکیمانه) او پدید آوردن آسمانها و زمین و گوناگونی زبانها و رنگهای شماسست. بی گمان در این آیاتی برای دانشمندان است.

بنابر این اختلاف در آفریدهها و بویژه در میان انسانها بر حکمتی جاودانه استوار است، و همین بستر تشکیل اجتماعات و تمدنها و ملتها شده است. آنگاه که راز اختلافها روشن باشد، و بر اصلی عقلانی استوار گردد، در موارد ناهمسانی ها دلزدگی و رنجشی پدید نمی آید، و اختلافها دور از انتظار دو همزیست نیست، بلکه آن را

حکیمانه و منطقی می بینند، و تلاش میکنند خود را به نوعی با آن سازگار سازند، و منطقی و سنجیده با آن برخورد کنند.

در برابر اختلاف سلیقه ها باور پنج موضوع ضروری است:- ۱. شناخت اصل ضرورت اختلاف ها و دوگانگی ها و رمز و راز آن.

۲. ضرورت سازگاری با دوگانگی ها و ناهمگونی ها، تا زندگی باهمی یگانه و یکرنگ شود، و سیمایی همخوان و سازگار یابد.

۳. دوری از هر تلاش و شیوه‌ای برای یکسان سازی سلیقه‌ها، و باور ناموفق بودن آنها

۴. امکان همگرایی و دلربایی و برقراری رابطه دوستی در پرتو اخلاق و گذشت و احترام به شخصیت انسانی همسر.

۵. بهره گیری از نقاط مشترک که به طور طبیعی میان انسانها وجود دارد.

سازگاریها، و پیروز شدن بر اختلافها، باید تربیتی و ارادی باشد و بر مبنای شناخت متقابل پایه ریزی شود، و با اخلاق و تربیت، ناهمسانیها همسان و ناهمخوانیها همانند و همخوان گردد. بی گمان با تکیه بر همانندی ها و تربیت اخلاقی و شناخت آیین زندگیهای گروهی، میتوان همزیستی بی مانندی پدید آورد، و راه دلبری را هموار ساخت.

امام جواد«ع» - به روایت از پدرانش («ع»، از امام علی «ع»، از پیامبر «ص»: انکم لن تسعوا الناس باموالکم، فسمعوهم باخلاقکم: شما نمیتوانید دل همه را با پول به دست آورید، پس آنان را با اخلاق انسانی جذب کنید". یعنی عوامل مادی هر چه باشد نمی تواند میان دو همزیست سازگاری پدید آورد، و زندگی باهمی و گروهی را زیبا و آرام سازد؛ بلکه تنها این اخلاق است که آرامش و سازگاری پدید میآورد، و تنش ها و ناسازگاری ها را از درون خانواده و جامعه بیرون می راند. برآستی در همه ارتباط های گروهی بهترین راه همین است که در تعالیم اسلامی آمده است:

امام صادق «ع»: صلاح حال التعایش والتعاشر، مل مکیال، ثلثاه فطنه، و ثله تغافل.

سامان بخشیدن به امور معیشت (و زندگی) و معاشرت (و همزیستی)، در صورتی ممکن است که زندگی انسان مانند پیمانانه ای باشد، دو سوم آن هوشیاری، و یک سوم آن تغافل (و

نادیده انگاری) و چشم پوشی.

یعنی راه برای رسیدن به هم اندیشی و همگرایی، نادیده گرفتن اختلافها، و تکیه بر نقاط مشترک است؛ و سرانجام شیوه گذشت و احترام متقابل است که کارسازترین زمینه را برای یگانگی و همزیستی مسالمت آمیز پدید می آورد، و راه دلبری را هموار میسازد.

فروتنی

از شیوه هایی که همگان را به ستایش بر می انگیزد، و به دوستی و همزیستی وا می دارد، فروتنی و تواضع است. فروتنی از دو اصل سرچشمه میگیرد: نخست دوری از بزرگی گری و خود برترینی، و دیگر ارج گذاری به منزلت و جایگاه و کرامت انسانی دیگران. این هر دو بهترین زمینه دوست داشتن دیگران و نفوذ در دل همسر، و برقراری رابطه دلبری است.

بیگمان زنان و مردان همگی در همه امتیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی همسان نیستند، و میان آنها از نظر امکانات مادی، سطح خانواده، پایه علمی، پستهای اجتماعی و ... ناهمسانیهایی وجود دارد، و گهگاه ناهمسانی ها زیاد و چشمگیر است. اگر در زیست خانوادگی که باید اساس آن بر دلربایی و دوستیهای ژرف باشد؛ برخی امتیازها و برتریها پا به میان نهد، و ملاکها و معیارهای انسانی را تحت تأثیر قرار دهد، و به نوعی خود برترینی در روابط همسران بینجامد، زمینه های اصلی دوستی و دلبری از میان می رود، و خودخواهی ها و خودباوری ها مانعی برای یگانگی ها میگردد، و این بزرگ ترین آفت احترام متقابل همسران است.

از این رو باید برای نفوذ در دل همسر، ره خاکساری در پیش گرفت، و زندگی را بر پایه یکسانی و یگانگی بنا کرد، و ریشه همه دوگانگی ها و امتیازها را از بن برآورد. امام علی «ع»: «ثمره التواضع المحبة: ره آورد (و میوه) فروتنی، دوستی است.

زنان و مردانی که در اندیشه جای گرفتن در دل دیگری هستند، و دوستی های راستین درونی را میجویند، باید نیک بدانند که آدمیان - و از جمله همسران - از هرگونه سالاری گری و خودبر ترینی بیزارند، و آن را مانعی بر سر راه دوستی ها و همزیستی ها میدانند؛ زیرا که این سرشت، زمینه خودخواهی و پیدایش دوگانگی است، و دلبری ها را به دل زدگیها بدل میسازد، چنانکه زیبایی فروتنی بیشترین زمینه دلربایی های راستین است، که شایسته همسران خردمند و پارسایان خداپاور است.

امام سجاد«ع»: وألبسني زينة المتقين في.. لين العريكة وخفض الجناح» : خداوندا مرا مانند پرهیزکاران زیبا گردان.. با نرمخویی و فروتنی.

امام سجاد«ع» این سرشت را مایه زیبایی پرهیزکاران می شمارد، | و از خدا آن را آرزو میکند، و ما باید چنین آرزویی داشته باشیم.

در این حکمت صادقی «ع» نیز باید اندیشید، و آن را پند مایه همه روابط گروهی - و بویژه روابط خانوادگی - قرار داد، و پیوند دلبرانه همسران را بر آن استوار ساخت.

امام صادق (ع): «..... إن أردت أن يصفو لك ودّ أخيك... لا تباهينه ولا تشارنه: اگر خواستی کسی دوست صمیمی تو باشد... به او فخرمفروش، و با او دشمنی مکن...»

گهگاه همسرانی دیده میشوند که با هم نیستند، و هر چند در زیر یک سقف زندگی میکنند، در حقیقت تنهاییند. این گونه زندگی سرد و نابهنجار ممکن است علت‌هایی داشته باشد، و از مهم ترین آنها خودبزرگ بینی و فخر فروشی است، به گونه ای که هیچ یک حاضر نیستند در برابر حقوق دیگری سر فرود آرند و شخصیت همسر را پاس دارند.

امام علی «ع»: لا وحدة أوحش بين العجب: و هیچ تنهایی (و بی کسی)، وحشتناک تر از خود پسندی نیست... همسرانی که فروتن نیستند دلربایی را کم رنگ می کنند، و کم کم بی مهری پدید می آورند، تا اینکه موجب کینه توزی و دشمنی یار و همراه خویش میگردند. چه از سوی زن باشد یا مرد؛ زیرا که حقیقت خود برتر بینی و خودخواهی، تحریک نفرت و خشم دیگران است.

امام علی (ع): هر کس از خود راضی باشد، دشمن و بدخواه، بسیار خواهد داشت.

از ره آوردهای شوم تکبر، بی اعتنایی به اندیشه های همزیست یا همسر است، و این به معنای کنار نهادن اصل رایزنی و مشاوره است؛ اصلی که در زندگی گروهی بسیار حیاتی است، و برآستی باید از این آفت بزرگ در روش دلبری دوری کرد.

گشاده رویی

خوش رویی و شادچهرگی از ویژگیهای مؤمنان راستین است. مؤمنان اگر چه غم های بزرگی در دل داشته باشند، و همواره در اندوه آینده و آخرت خویش به سر برند، لیکن در ظاهر شادند، و چهره های گشاده دارند، و در زندگی های گروهی لبخند بر لبشان نقش بسته است.

امام علی «ع» - در توصیف مؤمن: المؤمن بشره فی وجهه، و لحزنه فی قلبه: شادی مؤمن در چهره او دیده میشود، و اندوه او در دلش پنهان است. (تا غم او دیگران را اندوهگین نسازد، و شادی دیگران را از میان نبرد).

پیامبر بزرگوار اسلام در قانونی کلی دستور داد که در برخوردهای گروهی، چهره گشاده و شاد داشته باشید، و در جامعه غم پراکنی نکنید: پیامبر (ص): ... والقی أخاک بوجه منبسط: با سیمایی گشاده به دیدار برادر (و دوست) خود برو!

دلبران و همسران از نمونه های حتمی این تعالیم اسلامی هستند، و باید در برخورد با یکدیگر شاد و گشاده روی باشند، و هر یک از دیگری غم زدایی کنند، و در خانه و کاشانه شادی بیافرینند، و همواره این حکمت صادقی «ع» را در نظر داشته باشند، تا ارزشش خوش رویی و سرورآفرینی را نیک بدانند.

امام صادق «ع»: لا یرئ أحدکم إذا ادخل علی مؤمن سرورا، انه علیه ادخله فقط، بل والله علینا، بل والله علی رسول الله صلی الله علیه و آله: کسی از شما گمان نکند که هرگاه مؤمنی را شاد کند، تنها او را شاد ساخته است، بلکه به خدا قسم ما را خوشحال ساخته، بلکه پیامبر «ص» را (نیز) خرسند کرده است.

هر یک از همسران از خانواده بزرگ مؤمنان هستند و حقوق مؤمن - از آن جمله شاد کردن - را باید درباره آنان رعایت کنند، افزون بر حقوق همسری که بر یکدیگر دارند.

در برخی از احادیث و دعاها، قید «مؤمن» نیامده، و این مزایا به طور کلی، و در حق همه انسانها ذکر شده است... رجوع شود به الحیاء ۸/۳۱۴ به بعد...».

امام علی «ع»: یا کمیل! ... هیچ کس دلی را شاد نکند مگر اینکه خداوند از آن شادی برای او لطفی (و نگاهبانی) بیافریند...

باید هر یک از همسران موقعیت زندگی یکدیگر را درک کنند، که زن با چه کارهایی دشوار در خانه روبه روست، و مرد در جامعه با چه رویدادهایی سخت و رنج آور درگیر است. در جامعه آلودگی هوا، ترافیک ویرانگر، محیط های کاری نابسامان، برخوردهای انسان نماهای حق شناس و بی تعقد، و مشکلات اقتصادی و... اینها همه خسته کننده است، و تنها خانه و کاشانه است که می تواند محیط آرام و امن برای همسر باشد، و اندوه زدایی کند، و نشاط و شادی بیافریند، و جو زندگی را دگرگون سازد. با توجه به مسائل یادشده هر یک از همسران باید به ژرفی دریابند که دل در گرو کسی داشته باشند که پناهگاه راستین آنان است، و فشارها و خستگیها را کنار

میزند، و انسان را برای روزی نو و کاری دوباره بازسازی میکند. اینها موجب میشود که هر یک دل و روان خویش را به شریک زندگی خویش ارزانی دارد، و راه دلربایی و دلبری را در پیش گیرد.

شگفت آور است که کارهای نیک (حسنات در اسلام ده برابر پاداش دارد، لیکن سرورآفرینی و شادچهرگی هزاران برابر پاداش میگیرد.

امام صادق (ع) - مردی نزد امام صادق «ع» بود و این آیه کریمه را خواند: (والذین یؤذون... کسانی که به مردان و زنان مؤمن، بدون اینکه دست به عملی (ناروا) زده باشند، آزار می رسانند، بی تردید بار تهمت و گناهی آشکار را بر دوش میکشند؟ امام صادق «ع» فرمود: پس پاداش کسی که مؤمنی را شاد کند چیست؟ (راوی): گفتم: فدایت شوم، ده پاداش. امام گفت: آری، به خدا سوگند، و هزار هزار پاداش.

وقت شناسی و موقعیت یابی

شناسایی زمان های مناسب برای هر کار، از شرایط موفقیت است؛ کار بزرگ باشد یا کوچک، و در هر مقوله و هر نوع. در همزیستی اگر بخواهند همگرایی ها ناگسستنی گردد، و به دلربایی و دلبری برساند باید موقعیت شناسی رعایت شود.

در شهرهای ناآرام و پر تنش امروز، و با آلودگیهای هوایی و محیطی و صوتی و کاری و ... توان طبیعی انسانها کاستی میگیرد، و انواع خستگیها سایه می افکند، و از شور و نشاط لازم میکاهد. در این صورت و با این زمینه های ناآرام، تنها راه رهایی از عوارض خستگیها و بی نشاطیها، در گام نخست، کاستن از خواسته ها است، و در گام بعد، موقعیت شناسی است.

اگر در بحران گرفتاری و خستگی، چشم به همراهی و همکاریهای فوری داشته باشیم، انتظاری نابخاست، و چه بسیار که با پاسخی در خور روبه رو نشویم. و اگر این شیوه ها تکرار شود با کم مهری روبرو میگردد، و اگر ادامه یابد به گسستن روابط می انجامد.

اصل فرصت یابی و زمان شناسی که در تعالیم اسلامی آمده است، موضوعی محوری را در همه کارها و برنامه ها آشکار میسازد، و راه کامیابی را نشان میدهد. پیامبر «ص»: «الأمور مرهونةً بأوقاتها: کارها همه در وقت خود است.

پاسخ مثبت و درست در برابر هر پیشنهاد و خواسته ای در صورتی امکان پذیر است، که با سنجیدگی و زمینه شناسی درست همراه باشد، وگرنه چون این است که میوه ای را از درختی بچینند که هنوز زمان چیدن آن فرا نرسیده باشد.

امام علی (ع): ... ومجتنی الثمره لغير وقت ایناعها، کالزراع بغیرأرضه: کسی که میوه را جز در وقت رسیدنش بچیند، همچون کشاورزی است که در غیر زمین خود زراعت کند.

زندگی در جامعه کوچک خانواده چون زندگی در جامعه بزرگ است، و همان قوانین و راهکارها در آن جریان دارد، و کامیابی و ناکامی در این هر دو تا حدود زیادی همسان است.

امام علی «ع»: إياک والعجله بالامور قبل أوانها... فضع کل امر موضعه، وأوقع کل عمل موقعه...: بپرهیز از شتابزدگی در کارها پیش از رسیدن وقت آنها... و از لجاجت کردن در آن هنگام که راه صواب دانسته نیست... پس هر کار را در جای خود قرار بده، و هر عمل را در موقع خود به انجام رسان.

نباید همسران بیندیشند که مسائل خانه و خانواده مهم نیست، و این دقت ها و ظرافت ها را لازم ندارد. چنین اندیشه ای نادرست است. همزیستی ها و همکاری ها در جامعه بزرگ و کوچک همانند است، و چه بسیار که در جامعه کوچک خانواده ظریف تر و دقیق تر باشد؛ زیرا که همزیستی در آن عمری است، نه روزی و هفته ای و ... فراوان دیده شده است که رفتارها و گفتارها و خواسته های نسنجیده برهم انباشته شده، و همسران را - پس از سالها زندگی - از هم دور ساخته است.

براستی باید به همگرایی ها بسیار ژرف نگریست، و در خرد و کلان مسائل، موقعیتها و شرایط مناسب را جستجو کرد، و آگاهانه به هر کاری دست زد، و سنجیده زبان به سخن گشود.

امام عسکری «ع»: ... ولا تعجل بحوائجک قبل وقتها، فیضیق قلبک وصدرك ویغشاک القنوط... برای رفع نیازمندی های خود پیش از وقت مشتاب که مایه دل افکاری و بیتابی میگردد و گرفتار نومیدیت می سازد.

با وقت شناسی و پیشنهاد خواسته ها، پاسخهای مناسب دریافت نمی شود، و کم کم با این شیوه ها زندگی به سردی میگراید، و دلرباییها رخت بر می بندد، و دلزدگی ها در روان ها می خلد، و امید و شور باهمی از میان میرود، و پس از زندگی رخ مینماید، چنانکه در این حکمت عسکری «ع» بدان اشاره شده بود.

خوش گمانی

روابط گروهی و همزیستی باید درونی باشد، و هر یک از همسران در درون دیگری زندگی کند، و یار و همزیست خود را باور داشته باشد، و به او دل ببندد، و پایه های زندگی خانوادگی را بر درون و دل استوار ساخته باشد.

درونی شدن روابط بر اصل خوش بینی و گمان نیک استوار است. اگر خوش بینی بود، و به هر حرکت و کلامی با خوش گمانی نگریست، همواره دوستی ها افزون میگردد، و پیوندها ناگسستنی میشود. در برابر، سوءظن و بدگمانی، روابط را از ریشه و بنیاد سست میسازد، و بنای دوستی و دلبری را ویران میکند.

حسن ظن، خوش گمانی، و سوء ظن، بدگمانی... پیامدهای آن دو در روابط اجتماعی، دو پدیده قابل توجه و دقت است. بسیاری از گسستنها و دوریها، و بیگانگی ها، پیامد نگرش بدبینانه است، چنانکه بسیاری از جاذبه ها و پیوستن ها نیز در سایه نگرش های خوش بینانه و مثبت پدید میآید. پس اساس کار، در نوع نگرش انسانها نسبت به یکدیگر نهفته است...»^۱

براستی چنانکه گامهای آغازین دلبری با خوش گمانی برداشته میشود، و با تداوم آن در نوسانهای زندگی ریشه دارتر میگردد، با بدگمانیها و بدبینیها، همزیستیها رو به سردی میگنارد، و دلرباییها به دزدگیها می انجامد. اینکه قرآن کریم بدگمانی را گناه شمرده، برای همین پیامدهای منفی است که در روابط انسانی دارد: یا ایها الذین اموأجتنبوا کثیرا من الظن إن بعض الظن إثم . و ای مردم با ایمان از بسیاری گمانها (ی بد) بپرهیزید، که بی تردید پاره های از گمانها گناه است..

باید نیک اندیشید، و راه های نفوذ عوامل ویرانگر دوستی را بست، و بدگمانی از این راههاست:

امام علی «ع»: لا یغلبن علیک سوء الظن، فانه لا یدع بینک و بین صدیقک صفحا: نگذار بدگمانی بر تو چیره گردد، و گرنه میان تو و دوستت جای گذشتی باقی نمیگذارد.

راه هموار همزیستی های پایدار و پیوندهای گسست ناپذیرخوش گمانی است. امام علی (ع): من حسن ظنه بالناس، حاز منهم المحبة: به هر کس به مردم خوش گمان باشد (و خوش گمانی ورزد)، مردم او را دوست میدارند.

اسلام برای اینکه بدگمانی پیش نیاید، و خوش گمانی ها رخت برنبدد، اصل «حمل بر صحت» را آموزش داده است، که مردم در همگرایی ها برای گفتار و کردار همزیست خود توجیهی نیک و انسانی داشته باشند، و هر عمل و گفته ای را تا میتوانند خوب بدانند.

امام علی «ع»: لا تظنن بکلمه خرجت من أحد سوء، و انت تجد لها فی الخیر محتملا: به سخنی که از دهان کسی بیرون آمد - در صورتی که می توانی برای آن توجیه درستی پیدا کنی - گمان بد مبر.

همچنین برای تشویق به اصل حیاتی خوش گمانی هرگونه بدگمانی عامل قبول نشدن اعمال شمرده شده است:

امام صادق «ع»: خداوند از هیچ مؤمنی، عملی (و عبادتی) را قبول نمیکند، در صورتی که او نیت بدی، نسبت به مؤمن دیگر داشته باشد (و بدخواه مسلمانی باشد).

با این آموزش های حیاتی، همزیستان کمترین بدگمانی را در درون خویش راه نمی دهند، تا روز به روز دلگرمی ها فروزان تر شود، و دلبریها شعله ور تر گردد.

این حکمت علوی باید همواره مورد توجه همگان باشد، تا در جامعه و خانواده، و همه زندگیهای گروهی موفق باشند، و از آفت های زندگی باهمی در امان بمانند. امام علی (ع): «سوء الظن یفسد الأمور، ویبعث الشرور. بدگمانی کارها را تباه میسازد، و باعث شر و فتنه میشود.

سوءظن و بدبینی نه تنها زیست گروهی را سست میکند، بلکه زمینه فساد و تباهی و درگیری و ستیزه گری های گسترده می گردد؛ زیرا همه درگیریها و ناسازگاری ها ریشه در بدگمانی دارد، و آب روابط گروهی و دلبریها را از سرچشمه گل آلود میسازد.

همسران باید نیک توجه داشته باشند، که انسانهای بی عیب و به دور از هر ناهنجاری بسیار بسیار اندک اند، و اگر زنی یا مردی در این اندیشه است که به چنین انسانی دست یابد، آرزویی دست نیافتنی دارد؛ بلکه باید این حقیقت را باور داشته باشد که هر کسی عیب هایی دارد، و اگر عیبها اصولی نبود، و ویژگیهای لازم را برای همسری داشت، او را بپذیرد، گرچه کاستی ها و کمبودهای اخلاقی یا جسمی داشته باشد.

با این آموزشهای حیاتی، همزیستان کمترین بدگمانی را در درون خویش راه نمیدهند، تا روز به روز دلگرمیها فروزان تر شود، و دلبریها شعله ور تر گردد.

این حکمت علوی باید همواره مورد توجه همگان باشد، تا در جامعه و خانواده، و همه زندگیهای گروهی موفق باشند، و از آفتهای زندگی باهمی در امان بمانند. امام علی (ع): «سوء الظن یفید الأمور، ویبعث الشرور. ۱.

به بدگمانی کارها را تباه میسازد، و باعث شر و فتنه میشود. سوءظن و بدبینی نه تنها زیست گروهی را سست میکند، بلکه زمینه فساد و تباهی و درگیری و ستیزه گریهای گسترده میگردد؛ زیرا همه درگیریها و ناسازگاریها ریشه در بدگمانی دارد، و آب روابط گروهی و دلبریها را از سرچشمه گل آلود میسازد.

همسران باید نیک توجه داشته باشند، که انسانهای بی عیب و به دور از هر ناهنجاری بسیار بسیار اندکند، و اگر زنی یا مردی در این اندیشه است که به چنین انسانی دست یابد، آرزویی دست نیافتنی دارد؛ بلکه باید این حقیقت را باور داشته باشد که هر کسی عیبهایی دارد، و اگر عیبهایی اصولی نبود، و ویژگیهای لازم را برای همسری داشت، او را بپذیرد، گرچه کاستیها و کمبودهایی اخلاقی یا جسمی داشته باشد.

امام صادق (ع): هر کس بخواهد برای خود برادری برگزیند که هیچ عیبی در او نیست، دوستانش اندک خواهند گشت.

باید معیار در زندگی خوبی ها باشد، و در برخی رفتارها نیز دیدگاه توجیهی به کار برند، و آن رفتارها را حمل بر صحت کنند، تا راه های دلبری بسته نشود، و همواره صمیمیت بر خانواده پرتو افکند.

امام صادق (ع): «در (زندگی و اخلاق) مردمان جستجوگری مکن که بدون دوست می مانی.

احترام به کسان همسر

در همزیستی همسران شرط لازم، احترام متقابل است، به دو همزیست و به کسان و بستگان آنان.

تردید نیست که هیچ فردی را نمیتوان از کسان و خاندان خویش جدا کرد و کیان و شخصیت هر فرد با کیان خانواده او پیوندی ناگسستنی دارد، و از یکدیگر جدایی ناپذیر است. اگر برخی زنان یا مردان نتوانند افرادی از خانواده همسر خود را بپذیرند، یا با آنها ارتباط دوستانه برقرار کنند، باید پس از پیوند همسری، خود را دگرگون سازند، و معیارهای پیشین را به کناری نهند، و با کسان همزیست و همسر خویش تا حدود لازم سازگاری کنند، و از هرگونه تنش با نزدیکان همسر بپرهیزند. در صورت ناهمخوانی اندیشه ها و اخلاق ها، میتوانند خیلی گرم و صمیمی نباشند، لیکن ناسازگاری و ستیزه گری را باید کنار نهند؛ بویژه بستگان درجه یک و دو که عضوی جدایی ناپذیر از هر کس هستند.

هر یک از همسران نباید همسر خود را از مسئولیت هایی که درباره پدر و مادر و برادر و خواهر خود دارد، مانع گردند، یا از آنان بخواهند که «صله رحم» و تعهد به خانواده را به کناری نهند. چنین شیوه ای درست نیست، و با اسلام نیز سازگاری ندارد، بلکه باید به افراد خانواده همسر حرمت نهند، و برای احترام به همسر، کسان او را نیز گرامی بدارند.

براستی باید در همه بخش های جامعه، و در میان همه همزیستان اصل کرامت انسانی انسانها معیار رفتارها باشد، کرامت انسانی که اسلام بدان فراخوانده است، و آن را نشانه دین باوری دانسته است. باید همزیستان گامی از آن فروتر نهند.

انسان که برای همکاری و همزیستی به جامعه کوچک خانواده، و یا جامعه بزرگ گام نهاد، باید باور داشته باشد که با انسان یا انسانهایی روبه روست که هر یک عضوی از خانواده خدایی هستند.

امام صادق «ع»: قال الله - عزوجل: «الخلق عیالی..»: خدای بزرگ گفت: مردمان عیال من هستند.. اصل مساوات و برادری اسلامی نیز باید معیار و ضابطه در روابط باشد.

امام علی «ع»: .. فإِنَّهُمْ صَنفَان: اما آخ لک فی الدین، و اما نظیر لک فی الخلق... .

(با همه مردم محترمانه و بر اصل کرامت انسانی رفتار کن)، زیرا آنان دو گروه اند - یا برادران دینی تو هستند، یا برادران نوعی تو!! انسان در زندگی های مشترک خانوادگی یا کاری و ... کمتر به هم رأی ها و همسان های واقعی خود دست می یابد، بلکه با هر کس از جهت یا جهات گوناگون اختلاف اندیشه و سلیقه وجود دارد، پس چنانکه در بخش پیشین تبیین گشت، شرط لازم زندگی گذشت و چشم پوشی است، و اینکه باید ناسازگاریها را تحمل کند، و به همه انسانها با دیده بزرگی و ارجمندی بنگرد، و کسی را فرومایه و بی ارزش نشمارد.

امام صادق «ع» - مردی روستایی همواره با امام صادق «ع» بود، امام (روزی) او را ندید، از او جویا شد، کسی با انگیزه خرده گیری گفت: او مردی از طوایف عجم است؟

امام گفت: ریشه انسان عقل او، و نژاد او دین اوست، و بزرگواری او به پرهیزکاریش بستگی دارد، و مردمان نسبت به آدم برابرند. آن گوینده از سخن خویش شرمگین گشت.

کم گویی و پرهیز از پرحرفی

در برخی همسران - بویژه - زنان دیده می شود که گاه رشته سخن را به دست میگیرند، و تا طرف را خسته و دلزده نکنند دست بر نمی دارند. این شیوه عامل تنفر و دلزدگی و بی مهری است. نه تنها برای همسران، بلکه برای همه انسانها در ارتباطهای گروهی. پرحرفها در نظر همگان خسته کننده و تنفر انگیزند. در خانه و کاشانه که برآستی محیط آرامش و آسایش است، و باید زمینه های دلربایی و دل انگیزی در آن فراهم باشد؛ هرگونه رفتار و گفتاری که آرامش را بر هم زند و دلزدگی پدید آورد، با دلبری ناسازگار است. امام علی (ع): «الکلام کالدواء، قلیله ینفع، و کثیره قاتل: سخن چون داروست، اندک آن سود می بخشد، و زیادی آن کشنده است.

در اخلاق گفتاری باید آموزه های ارزشمند و گسترده اسلامی مورد توجه باشد و همگان ژرف بنگرند که هر سخن که از آدمی صادر میگردد، از زمره کردار و رفتار او شمرده می شود، و مسئولیتی الهی دارد، و اگر رنج و دلزدگی دیگران را موجب گردد، مسئولیت دو چندان میشود.

پیامبر «ص»: من حسب کلامه من عمله، قل کلامه الا فیما یعنی: کسی که سخن خویش را از زمره کردارش به شمار آورد، اکم گویی پیشه کند مگر در مواردی که سودمند باشد.

براستی آنگاه که دهان گشوده میشود، مسئولیتهای خدایی افزون میگردد، و دلزدگیهای انسانی پدید می آید.

امام صادق «ع»: لا یزال العبد المؤمن یکتب محسنه مادام ساکتا، فاذا تکلم کتب محسنا او مسیئا: انسان مؤمن تا آنگاه که لب فرو بسته است، نیکوکار به شمار آید، و چون سخن گفتن آغاز کرد، یا نیکوکار شمرده میشود و یا گناهکار.

از پیامدهای پرحرفی، بی ارزش شدن در نظر دیگران است، به گونه ای که انسانها از پرگوییان میگریزند، و از آنان نفرت دارند.

اکنون اگر در خانه یکی از همسران به زیاده گویی عادت کرده باشد، همبستگی و همنشینی را دچار مخاطره جدی میسازد. نمونه های این رفتارها در مواردی دیده شده است، و همسرانی که گرفتار پرحرفی همسر خویشند، بیشتر وقت خود را در بیرون از خانه میگذرانند.

این شیوه و سرشت ناپسند اگر با فکر و تمرین برطرف نشود، کم کم صبرها را لبریز میکند، و به جدایی میانجامد. و این بیشترین ضربه به ارزش همسری است.

امام علی (ع): «صمت یکسوک الکرامة، خیر من قول یکسبک الندامة: سکوتی که جامه بزرگی بر تن تو بپوشاند، بهتر است از سخنی که پشیمانی به بار آورد.

امام صادق «ع» در سخنی به شیعه سفارش میکنند که زیاده گویی را رها کنند، چنانکه از زشتگویی و فحاشی دوری میگزینند.

امام صادق «ع»: معاشر الشیعة! کونوا لنا زینا، ولا تكونوا علینا سینا.. والحفظوا السننکم، وکفوها عن الفضول وقبیح القول.

، ای گروه شیعه! مایه زیور (و سربلندی) ما باشید، و مایه ننگ و (خرده گیری) بر ما مباحثید... زبانهاتان را نگاه دارید، و آنها را از زیاده گوئی و سخنان زشت باز دارید

پرهیز از نکوهشگری

نکوهش گری و سرزنشهای زیاد، از زمینهای دلزدگی است، و اگر تکرار شد، دشمنی و ناسازگاری پدید میآورد، و زمینه گریز و دوری میگردد، و رابطه ها را به سستی میکشاند، و دوستی و دلربایی را که پایه اصلی همسری است، سست و لرزان می کند و یا آن را به کلی از میان می برد.

هر یک از همسران باید به همزیست خود با خوش بینی بنگرد و کم و کاستیهای او را نادیده بگیرد، یا در برابر آنها شکیبایی ورزد، و زبان به بدگوئی و سرزنش نگشاید؛ که این اخلاقی غیرانسانی و غیراسلامی است، و رابطه های دلبرانه را از میان می برد.

امام علی (ع): ... از مجادله (و ستیزه گری کلامی) پرهیز، که با ستیزه گری. برادری را تباه می سازی.

براستی خرده گیریهای بی جا ریشه دوستی و دلبری را می سوزاند و با ادامه آن کینه ها پدید می آید، و خشم ها برافروخته می گردد، و کم کم ناسازگاری و درگیری رخ می نماید. این چنین همسرانی اگر با هم و زیر یک سقف نیز زندگی کنند، دوست و یا دلبر یکدیگر نیستند، و با یکدیگر همراهی و همگامی ندارند. بارها خانوادههایی این چنین را در جامعه میبینیم، که هیچ لذتی از زندگی باهمی نمی برند؛ زیرا که با یکدیگر با دلی زلال و مهرآمیز زندگی نمیکنند، و بر اثر نوعی اجبار روزگار را با هم سپری می سازند.

امام صادق (ع): از گفتگوهای خصومت آمیز دوری کنید که دلهای برادران (و همسران) را بیمار میکند، و نفاق و دو رویی پدید می آورد. |

با دلی بیمار دلبری ناممکن است، و آنگاه که صمیمیت ها رخت بریست و یگانگی و یک رویی کم رنگ شد، دورویی و نفاق پدید می آید، و این دورویی خود را در لابه لای رفتارها و گفتارها نشان میدهد، و شریک زندگی و دلبر و دوست را به فریبکاری و دورویی وامی دارد، و پیوندها برآستی پوشالی میگردد.

این نکته نیز در خور توجه است که در تعالیم اسلامی اگر انسان در دیگران، بویژه نزدیکان خود، عیب هایی دید، نباید چشم برهم نهد و بدون راهنمایی و هدایتگری از کنار آنان بگذرد، بلکه باید به اصلاح نادرستی ها و ناهنجاری ها دست زد، و نقطه ضعفها را روشن سازد. در این گونه موارد باید سه اصل رعایت شود:

۱. موقع و زمان مناسب برای آن بیابد. ۲. با منطق و حکیمانه موضوع را بررسی کند، و به او یادآور

۳. از تکرار و اصرار زیاد دوری گزینند، که تکرار، سخن او را بی اثر می سازد.

امام علی (ع): - در وصیت به امام حسن (ع): «... الإفراط فی الملامة یشب نیران اللجاجة: پسر! سرزنش زیاد، طرف را به لجبازی (و پررویی) وا می دارد. این آموزش ها از درون و روان انسان پرده برمی دارد، و احوال انسانها را روشن میسازد..»

امام علی «ع»: هر کس عیبهای پوشیده مردم را بر ملا کند، خداوند سبحان او را از محبت اشخاص محروم می سازد.

همواره در کارها سرسختی نشان دادن، و خود محور بودن، از زمینه های اصلی ناسازگاریها و جدایی هاست.

امام علی (ع): شرط المصاحبة، قلّه المخالفة. |

شرط دوستی و همنشینی، سازگاری است، و کمتر مخالفت کردن (و کمتر بهانه گرفتن...).

زبان به نکوهش گشودن هر یک از دلبران، نه تنها با آیین دلدادگی و دلبری ناسازگار است، بلکه آتش کینه را شعله ور میسازد، و رشته های دوستی و دلبری را میسوزاند.

رفتار لجوجانه (سرسختی، برتری طلبی و لجبازی): آنچه هر انسان را در سنین مختلف تحت تأثیر قرار میدهد، و او را به پذیرش بر می انگیزد، یا دلزده میکند، نوع و چگونگی رفتارهاست.

برخورد منطقی و انسانی، و با همفکری و تفاهم، واکنشهای مثبتی در پی دارد، و برخوردهای لجوجانه و استبدادی و تحمیل آمیز، واکنشهای منفی را به بار میآورد، و مایه سرباز زدن و مخالفت میگردد. از این رو بهترین شیوه در... زندگی، دوری جستن از لجاجت است:

«خیر الأخلاق أبعدها عن اللجاج»؛ بهترین اخلاق و رفتار دورترین آنها از لجبازی است.»

هنر خوب گوش کردن

انسان آنگاه که سخن آغاز میکند، نیاز دارد به سخنان او گوش فرا دهند، و به گفتار او که از اندیشه و شناخت او بر می خیزد، احترام گذارند. چه بسیار دیده میشود که بی توجهی و سطحی نگری به سخن کسی او را برآستی دل آزرده میسازد، و حتی او را از ادامه سخن گفتن باز میدارد، و از هر گونه همفکری و همراهی مانع میگردد.

دو همزیست و همراه زندگی در برابر گفتار و سخنان یکدیگر باید این اصل را باور داشته باشند که شکوفایی شخصی همزیست آنان در سخنان اوست، و اگر به هنگام سخن گفتن با نیکی و دلدادگی روبهرو شود، خرسند

میگردد، و اگر بی توجهی و بی اعتنائی ببیند، دلزده میشود، و در خود احساس کمبود میکند، و اگر همواره با چنین صحنه هایی روبرو گردد، بدبینی و دلسردی ژرفی در او پدید می آید، و پیوند همزیستی را می گسلد، یا آن را سست و بی ریشه میسازد...

خوب گوش کردن در رابطه های همزیستی، بویژه همسری، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. تنها گوش کردن کافی نیست، بلکه خوب گوش کردن شرط است، یعنی با همه چهره و سیما به سخن همسر گوش فرا دارد، نه اینکه به ظاهر گوش کند، و با کنار و گوشه چشم و لب و دهان حرکاتی نشان دهد که طرف حس کند حرفهای او را در عین شنیدن باور ندارد، یا آنها را به ریشخند گرفته است.

اگر دو همزیست اخلاق خوب گوش کردن را نیاموخته باشند، چه بسا که مایه بی مهری و دلزدگی شوند، و پایه های دلربایی و دلبری را سست کنند، زیرا آشکارترین و مهم ترین نوع ارتباط - یعنی گفتن و شنیدن - را دچار بی ثباتی کرده است.

« ازدواج این پیچیده ترین شکل روابط انسانی، بدون ارتباط اثربخش نمی تواند شکوفا شود. کیفیت دوستیها، به هم پیوستگی روابط خانوادگی، و کارایی شغلی، همه تا حد زیادی به توانایی شما در گوش کردن وابسته است...» ۱.

این حالتها در گوش فرادادن را «زبان تن» می نامند که بیش از نیمی از ارتباطها به وسیله آن برقرار میگردد، و نوع مردم از آن غافلند، گرچه خود به هنگام سخن گفتن یا گوش دادن دیگران به سخن آنان، آنها را درک میکنند، و میفهمند که شنونده حرف آنها را درست پذیرفت یا نه؟.

«چشمها و پوست اطراف آن، گویاترین نشانه هستند. چشمها در خوشی برق میزنند، در غمگینی قرمز و اشک آلود میشوند، و در عصبانیت، خشمگینانه خیره میشوند. چشمها اطلاعات بسیار مهمی را در زمینه روابط ما با اشخاص دیگر انتقال میدهند. آنها عشق و اعتماد به یک شخص، و دور بودن و صمیمی نبودن و یا قطع رابطه با دیگری را منتقل میکنند.» ۱.

همزیستان در خانواده باید نیک بدانند که دل و روان انسان، حقیقتی ماورای طبیعی و خدایی است، و درک و دریافتهایی بسیار لطیف دارد که با زبان و واژه ها بازگو نمیشود، بلکه از موقعیتهای، صحنه ها، چهره ها و اندامها کشف میشود، و آنها را دل همسر که با او دم خور است نیک در می یابد؛ و چون کار در دلبری با درون و روان است، باید به این باریک بینی ها توجه داشت، تا هرگاه سخنی گفته میشود، رفتارهای غیرکلامی پیام آن را بی اثر نسازد، و دل نگرانی و دلزدگی پدید نیآورد.

این معیارهای تردیدناپذیر در حکمتی علوی آمده است: امام علی (ع): عود أذنك حسن الإستماع: گوش خود را به خوب گوش دادن عادت ده.

حسن استماع یعنی حواس تنها به گوینده متوجه باشد، و با تمام اندام و چهره گوش فرا دهد، و در معنای تعبیرها و واژه ها ژرف بیندیشد، و با گوشه و کنار چشم و ابرو و گونه کاری نکند که شنیدن را سرسری و سطحی بنماید. اینها شرط خوب گوش دادن است، که در روان شناسی ها به همراهی زبان تن و زبان گفتار تعبیر شده است.

خوب گوش دادن نتیجه مقصود را در پی دارد. امام علی (ع): من أحسن الاستماع تعجل الانتفاع: هر کس خوب گوش کند، زود به بهره (لازم) دست می یابد. در روابط گفتاری و شنیداری بهترین تعبیرها در قرآن کریم آمده است: فبشر عباد، الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه: بشارت بده به آن دسته از بندگانی من که: به سخن، خوب گوش میدهند، و بهترین آن را میپذیرند (و) پیروی میکنند...

امام صادق (ع) «سه چیز را نشانه درست اندیشی و درک و دریافت درست میداند:

ثلاثة يستدل بها على إصابة الرأي... : حسن اللقاء، وحسن الإستماع وحسن الجواب: سه چیز دلیل درست اندیشی است... : ۱- برخورد خوب با مردم، ۲- گوش فرا دادن به گفتار مردم، (و خوب گوش دادن)،

۳- خوب پاسخ دادن به سؤال اشخاص.

درباره همگرایی و همزیستی پیامبر بزرگوار اسلام آمده است، که با تمام چهره به سخن دیگران گوش فرا میداد، و با همه گونه و تمام ژخ به دیگران مینگریست، و بدانان روی میکرد، نه با گوشه چشم و با بی توجهی امام حسن «ع»: ... اذا التفت التفت جميعا...: چون به جانبی (و به سوی انسانی) توجه میکرد، با تمام بدن توجه میکرد و با همگان این چنین بود، و به همه نگاهی برابر داشت.

یگانگی دل و زبان

در آموزه های اسلامی بر یگانگی زبان و دل تأکید شده است، و نسبت به هرگونه دو رویی و منافق صفتی بیم داده اند، تا دوگانگی دل و زبان از تأثیر کلام نکاهد؛ زیرا که تردید نیست اگر زبان و درون دوگانه باشد، بر مقدار دوستی و چگونگی رفتارهای انسانی تأثیر میگذارد، و درون، خود را از لابه لای رفتارها آشکار میسازد، و بی گمان ارتباط صمیمی را خدشه دار میکند، و یا آن را به کلی از میان می برد. روشن است که دلدادگی ها و

دلربایی‌ها بر یکرنگی و یگانگی استوار است و ممکن نیست انسان در درونش چیزی باشد، و زبانش چیز دیگری را بازگو کند، و این حقیقت در رفتارها و چهره‌اش نمایان نگردد.

امام علی «ع»: لسان الحال أصدق من إسانی المقال: زبان حال (اندام و چهره) راستگوتر است از زبان گفتار.

در هر گفته و سخنی نخست این انسان است که خود را تصدیق میکند، و خود را راستگو میدانند. اگر این داوری درونی هر فرد نسبت به سخن خود نباشد، گفته‌هایش بی‌اصالت و سرزبانی‌انگاشته می‌شود، و گفته‌های سرزبانی تأثیر چندانی بر جای نمی‌گذارد.

امام صادق (ع): ان الصادق اول من یصدقه الله - عز وجل - یعلم أنه صادق، و صدقه نفسه تعلم أنه صادق: نخستین کسی که راستگو را به راستگویی می‌پذیرد (و راستگو می‌شمرد)، خدای بزرگ است، و سپس دل اوست که میدانند راست می‌گوید.

یکی از علل نکوهش دو رویی و دوگانگی ظاهر و باطن، همین ویژگی است که زیربنای رابطه‌ها را سست میکند، و به جای یگانگی بذر بیگانگی می‌پاشد.

همه انسانها در روابط اجتماعی باید از دورویی و منافق‌صفتی دوری کنند، و براستی آنچه را می‌گویند در دل نیز آن را بخواهند و باور داشته باشند، و این حقیقت در ارتباطهای همسری بیشتر ضروری است؛ زیرا که درون دل آدمی سرانجام آشکار می‌شود، و چه بسیار که گفتاری را بر زبان می‌آورند، و چون آن را در درون باور ندارند، با حالتهای چهره و دیگر رفتارها آن را بی‌اثر می‌سازند. امام علی «ع»: اصدق المقال ما نطق به لسان الحال: راست‌ترین سخن، سخن گفتن با زبان حال است.

همخوانی و هماهنگی میان زبان گفتار و زبان دل موجب تأثیرگذاریهای ژرف و ماندگار است، و این حقیقت را به باور دیگری می‌دهد که گفتار او بی‌اساس نیست، و از ژرفای دل سخن می‌گوید.

امام صادق «ع»: للمنافق ثلاث علامات: یخالف لسانه قلبه، و قلبه فعله، و علانیه سریره: منافق سه نشانه دارد: زبانش با دل او ناسازگار است، و دلش با کردارش، و (کارهای) آشکار او با درونش ناسازگاری دارد.

بنابر این همخوانی میان زبان تن و دل و درون با زبان گفتار، یعنی راستی و صداقت، زمینه پیوندهای ریشه‌دار است، و این میتواند از بهترین روشهای دلربایی و دلیری باشد، و مهر و محبتی راستین در دل همسران پدید آورد. همسران باید با همه هستی خویش همزیست و همگام یکدیگر باشند، و نه تنها با زبان کلمات خود را یار و

همراه جلوه دهند، تا پاسداری از کرامت‌ها ریشه دار گردد، و دوستی‌ها جاودانه شود، و دلدادگی‌ها با همه وجود رخ نماید.

امام علی (ع): ان المودة يعبر عنها اللسان، وعن المحبة القينايير: زبان بیان کننده دوستی، و چشم نشان دهنده عشق و دلدادگی است.

مصرف بهینه و اقتصادی

در نگاه نخست شگفت‌انگیز می‌نماید که صرفه‌جویی و مصرف بهینه، از راهکارهای دلبری انگاشته شود، لیکن با ارزیابی اندکی آشکار می‌گردد که برآستی چنین است، و صرفه‌جویی زنان در هزینه‌های زندگی، از زمینه‌های مؤثر دل‌بستگی و دوستی مردان با زنان است.

مردان با تلاش و سختی به درآمدی دست می‌یابند، و به محصول کار خویش دل‌بستگی دارند، و دوست ندارند که به آسانی و بی‌جهت هزینه شود، و بدون ضرورت یا نیاز منطقی هدر رود. سخت‌کوشان صحنه زندگی دوست دارند که حاصل رنج روزانه آنان با دقت و برآورد هزینه شود، و به سادگی هرز نرود. مرد که مسئول تأمین هزینه زندگی است، اگر همواره نگرست که در خانه بهایی به ارزش کار او داده نمی‌شود، و کدبانوی خانه همواره به ولخرجی و زیاده‌روی مشغول است، و فرزندان خود را نیز با این بینش‌ها را روش‌ها بار می‌آورد، در او زندگی و سردی پدید می‌آید، و بی‌مهری را موجب می‌گردد، و بی‌مهری سردی روابط را پدید می‌آورد، و این زدایش زمینه‌های دوستی و دلبری است.

از سوی دیگر اگر مردم اندکی دانش اقتصاد بدانند، و ارزش حیاتی مواد و کالاهای فرآورده از منابع زمینی را بشناسند، و پایان‌پذیری معادن را نیز بدانند، در مصرف هر کالا، گرچه کوچک دقت می‌کنند، و اگر آن را بی‌رویه و اسراف‌ی به مصرف برسانند موجب نگرانی هر انسان آگاهی می‌شوند. مرد که هزینه تأمین نیازهای خانه بر عهده اوست، چنانچه مصرف زندگی و هرز دادن مواد مفید را ببیند و این امر تکرار شود احساس تنفر می‌کند، و این تنفرهای مدام، زندگی و بی‌مهری را موجب می‌گردد.

مصرف‌گرایی و اسراف از جهت دیگری نیز زمینه رنجش و نگرانی همسر می‌گردد، و زندگی تأمین‌کننده هزینه‌ها، ژرفای بیشتری می‌یابد، و آن توجه به باورهای عقیدتی و دینی است؛ زیرا کسانی که دین‌باورند، و آموزه‌های گسترده اسلام را درباره اسراف میدانند، اگر تباه‌سازی مواد را بنگرند، برآستی افسرده می‌شوند؛ از اینکه همسرش مسئولیتهای دینی خود را نمیشناسد. یا بدانها عمل نمی‌کند. و چنین شیوه‌هایی در روابط زن و شوهر تأثیری بسیار منفی می‌گذارد، و از دلربایی‌ها و دلبری‌ها میکاهد، و اندک‌اندک آن را از میان می‌برد.

برای اهمیتی که شیوه مصرف زنان در خانوادهها، و تأثیر ژرف آن در دوستیها و دلبستگیها دارد؛ پیامبر اسلام بر مسئولیت اقتصادی زنان، افزون بر مسئولیتهای دیگر، تأکید میکند: پیامبر (ص): ... والمرأة راعية علی ما زوجها و مسؤولة عنه. ۱» ... زن نگهبان مال شوهرش میباشد، و در این نگهبانی مسئول است. این یکی از امتیازهای همسران است، و فداکاری و گذشت آنان را آشکار میسازد، که به هزینه ها و مصرف ها توجهی ویژه داشته باشند، تا از نتیجه تلاشهای شوهر پاسداری کنند، و زمینه های دلبستگی و دلبری را هموارتر سازند.

امام باقر «ع» - به روایت از پیامبر «ص»: «خداى بزرگ فرموده است: «هرگاه بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گردآورم ... به او همسر مؤمنی میدهم که در نبود او... از مالش نگهداری کند.» ۲|

همسران باید توجه داشته باشند که ساختمانی استوار و بلند ممکن است اندک اندک تخریب گردد، و سرانجام فرو ریزد؛ و ساختمان استوار خانواده نیز با این رفتارهای ناسازگار با دوستیهای راستین، اندک اندک فرو میریزد، تا چیزی از آن باقی نمی ماند.

برخی زنان این چنین نیندیشند که ما در ظاهر و در گفتار واژه های جانم و فدایت و ... به کار می بریم، و نسبت به شوهر اظهار دوستی میکنیم و ... چنین شیوه هایی اگر با رفتارها هماهنگی نداشت، اثر این خوش لفظی ها از میان میرود، و دلزدگی و دلسردی زمینه مییابد، و دلبرها کم رنگ می گردد.

پرهیز از خواسته های زیاد

انسان در پیچ و خم های زندگی و دشواریهای نهاده بر سر هر راه، گرایش به آسایش و آسودگی دارد، و از هر راحتی و آسانی خرسند میگردد، و از هر سختی و دشواری - بویژه آنها که امکان نداشته باشد - گریزان است. هر تقاضا و خواسته ای چون باری سنگین است، و آنان که خواسته زیاد دارند بر دوش دیگران باری گران می نهند، و آنگاه که این خواسته ها افزون گشت، نوعی اجبار و تحمیل به شمار میآید، و دلزدگی پدید می آورد، تا بدانجا که زمینه رنجش و بی مهری میگردد، و سرانجام دلبری ها رخت بر میبندد. امام علی (ع): من تلن حاشيته يستدم من قومه المحبة: به هر کس در کارها (با مردمان) برخوردی ملایم (و به دور از تحمیل) داشته باشد، همواره از کسان و اطرافیان خود محبت خواهد دید.

این حقیقت در همه روابط گروهی وجود دارد، و در زندگی خانوادگی بیشتر خودنمایی میکند؛ زیرا که چشمداشت هر یک از همسران از یکدیگر بسیار بیشتر از بیگانگان است. برآستی باید همگامان و همراهان در خانواده در سایه یکدیگر احساس راحتی و آسایش کنند، و با خواسته های زیاد و تقاضاهای پیاپی خسته نشوند،

و شرمگین نگردند، و دچار رنجی گران نشوند؛ رنج و شرمی که اگر انباشته شد زمینه دلسردی و بی مهری را هموار میسازد، و دوستیها را کمرنگ میکند.

امام صادق «ع»: ... من کره الله إليه الشر و باعده منه... رزقه الله موده الناس.

هر کس آزار (رسانی) و بدی را خداوند در نظر او ناخوشایند گردانید، و او را از شر دور داشت. دوستی مردمان را ارزانی او میگرداند...

باید باور داشت که تقاضای زیاد - بویژه با نبود امکانات - شئی بزرگ است، و دوری از این نوع آزاررسانی، عامل نیرومندی در برقراری پیوندهای ناگسستنی است، و نویدبخش گرمی و دلبریهای زوال ناپذیر است.

تحمیلهای زیاد، آینده زندگی خانوادگی را نیز دچار مخاطره میکند؛ زیرا که با هزینه تراشیهای پیوسته چیزی برای آینده باقی نمیماند، و این نیز علت دیگری است برای اینکه خواسته های زیاد مایه دلسردی گردد.

در همه بخشهای زندگی، سادگی و بی توقعی، زمینه دل بستگی و راحتی است، و زیستهای تشریفاتی و پرهزینه، خسته کننده و نفرت آور است، و دلزدگیهای ریشه داری را پدید میآورد. هیچ همسر دانا و آینده نگری، دوستیهای پایدار و صمیمانه را با برخی کالاهای مصرفی پر زرق و برق مبادله نمیکند، و مایه رنج و اندوه همگام و یار و یاور زندگی خویش نمیگردد.

امام علی «ع»: قال رجل للنبي: يا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) علمني عملا لا يحال بينه وبين الجنة. قال: لا تغضب، ولا تسأل الناس شيئا: مردی به پیامبر گفت: ای رسول خدا! مرا کاری بیاموز که میان آن کار و بهشت مانع نشود (و مرا از بهشت محروم نکند). پیامبر گفت: خشمگین مشو، و از مردمان چیزی مخواه.

و در حدیث دیگری آمده است که یاران پیامبر پس از این آموزش نبوی چنین بودند که اگر بر مرکبی سوار می شدند، و تازیانه از دستشان بر زمین میافتاد، به راهگذری نمیگفتند این تازیانه را به من بده - با اینکه برای راهگذر کاری آسان بود، و برای آنان پیاده شدن کاری دشوار - بلکه خود پیاده می شدند، و تازیانه را د بر میداشتند. ۱

پیامبر حکیم و دانای اسرار و رموز، نخواستن و سؤال نکردن را | راز موفقیت و بهشتی شدن میدانند؛ زیرا که حفظ کرامت انسانی انسانها بدان بستگی دارد و از تحمیل بر انسانها نگاه داشته می شود.

براستی اگر این دست مسائل رعایت گردد، زنان در سطحی وصف ناپذیر نزد همسران خود عزیز میشوند، و کانون زندگی آنان گلستان میگردد.

پیامبر «ص»: الا وایما امرأه لم ترفق بزوجهها، و حملته علی ما الایقدر علیه و ما لا یطیق، لم تقبل منها حسنه، و تلقی الله (وهو) علیها غضبان: بدانید هر زنی که با همسرش سازگاری نکند، و او را به کارهایی (و پرداخت هزینهها و خرید کالاهایی) که نمی تواند و در توانش نیست وادار سازد، هیچ کار نیکی از او در درگاه خداوند پذیرفته نمیشود، و به دیدار خدا میرود در حالی که خدا بر او خشمگین است..

کلید خوشبختی در همین موضوع نهفته است، نه خانه را ان کالاهای رنگارنگ و پوشیدنیهای پر زرق و برق انباشتن؟ پیامبر «ص»: برای زن جایز نیست که بیش از توان شوهرش بر او تحمیل کند، و نه از او نزد مردمان - چه دور و چه نزدیک به زبان به گلایه بگشاید...

زن باید - در زندگی - در حال داشتن یا نداشتن شوهر، و در سختی یا آسایش صبر داشته باشد...

سوگند به خداوندی که مرا به رسالت و پیامبری برانگیخت، هر زنی که در سختی و آسایش (در همه حال)، صبر کند، و در کنار شوهر بماند، و مطابق نظر او عمل نماید، خداوند متعال او را با همسر ایوب پیامبر «ع» محشور گرداند

زیاده روی در دوستی

از تعالیم جاودان اسلام که ارمغانی بزرگ برای بشریت است، و روشنگر هر راه و روشی درست در زندگی است، این حکمت نبوی است: «خیر الأمور أوسطها»: بهترین هر چیز و هر کار، حد میانه آن است. حد میانه در هر کار نتیجه بخش است، و به هدف میرساند، و کم انگاری یا زیاده روی، دستیابی به هدف را ناممکن می سازد.

«راه میانگین (مراعات حد وسط در کارها): سطح طبیعی برای هر چیز حد میانگین است نه چیز کمتر و نه چیزی بیشتر از آن. و اشیاء همه در این سطح به جانب کمال مطلوب خود حرکت میکنند. پس انسان نیز نباید از این مدار - که مدار طبیعی برای هر چیزی و هر حرکتی است - خارج گردد. به همین جهت، مراعات حد وسط در همه اعمال و گزینشهای آدمی ضرورت پیدا میکند. و تعبیری که در قرآن کریم آمده: (وکذلک جعلناکم أمه وسط،؛ بدین گونه شما را امتی میانگین قرار دادیم، ناظر به همین اصل است.

امت میانگین امتی است که زندگی انسانی و جهت گیریهای اجتماعی او... بر صراط مستقیم که همان حد وسط است پیش برود، و از انحراف به دو طرف، که او را از مدار طبیعی در زندگی و راه درست تکامل دور میسازد، خودداری کند...»

زیان دوستیهای زیاد بالا بردن توقع و چشمداشتی دوست است، به گونه ای که اگر گهگاه اندکی از دوستیها کاسته شود، سردی و دل نگرانی پیش میآید، و دلبری را خدشه دار میسازد. اگر همواره به اندازه و در حد میانه دوستیها جریان یافت، پایدار میماند، و انتظار طرف مقابل را نیز در حد میانگین نگاه میدارد. امام علی «ع»: «إذا أحببت قلاتکثر: هرگاه (کسی را) دوست داشتی زیادهروی مکن.

بی گمان از رهاآوردهای دوستی میانگین این است که انسان در برابر عیبها و ناهنجاریهای دوست چشم بر هم نمینهد، و کج رفتاری او را درست نمیشمرد. تردید نیست که شرط دوستی درست و خردمندانه این است که دوست خویش را در تباهی و نادرستی رها نکند، و همواره در اندیشه کردار و رفتار او باشد، و اگر گهگاه لازم شد دست او را بگیرد، و به راه آورد، و از سقوط رهایی بخشد.

در دوستیهای افراطی این عیب نهفته است که هر کاری را دوست انجام داد، انسان سکوت کند، و بر آن مهر صحت بنهد، و در نتیجه او را در گمراهی و کجروی پایدار بگذارد، و او خود را اصلاح نکنند، و از کژیها دور نگردد. این سکوت ناشایست و زیانبار در برابر کاستیهای دوست، زیاده روی در دوستی است که برآستی انسان را نسبت به رفتار دوست کور و کر می کند.

امام علی «ع»: «من عشق شیئا أعشى بصره، و أمرض قلبه، فهو ينظر بعین غیر صحیحه، ویسمع بأذن غیر سمیعه: کسی که عاشق چیزی شود، چشم خود را کور و قلب خود را بیمار کرده است. عاشق (و دوست افراطی) با چشمی نادرست می بیند و با گوشی ناشنوا میشنود...»

برای اینکه آیین دلبری تنها احساس نباشد، و خردمندانه و منطقی صورت پذیرد، باید از هرگونه تندروی دوری کرد، و در چارچوب معیارهای درست و انسانی رفتار نمود، و راهبری عاطفه را به دست عقل سپرد، و عقل را اسیر دست عواطف ن ساخت، که این شیوه دوستی را به بیراهه میکشاند، و سرانجام آن را با دشواری هایی روبه رو می سازد. امام علی (ع): «... کل إفراط له مفسد: هر زیاده روی و افراطی مایه تباهی او میشود.

دوستی از احساسهای هیجان برانگیز است، و این گونه احساسها مثل همه پدیده های روانی به مدیریت و مهارت نیاز دارد. برای نمونه، هیجان خشم اگر مدیریت نشود زیانهای جبران ناپذیری به بار می آورد، و چنین است هیجان دوستی و دلدادگی، و باید درست و منطقی مدیریت شود.

بحث مدیریت دوستیها، و مهار مهرورزی ها از تندروری و مرزنشناسی، در آموزه های اسلامی آمده است که این رساله گنجایش همه آن بحثها را ندارد، و فهرست وار اشاره میشود که در دوستیها باید:

۱. از زیاده روی دوری کرد؛ چنانکه یاد شد.

۲. سنجیده کاری و ارزیابی در اصل دوستی و محبوبها نیز لازم است.

۳. مدیریت عقل بر عواطف نیز باید اعمال گردد، تا دلباختگی های ناپایدار و زودگذر رخ ندهد.

۴. باید به دوستی تداوم بخشید، و بی جهت از آن دوری نکرد.

۵. پیشگیری از علل و رویدادهایی که دوستی را برهم میزند، و آن را ناپایدار می سازد

نیک اندیشی و خیرخواهی

انسان در برابر هم نوع خود مسئولیت های فراوانی دارد، و سرآمد همه مسئولیتها این است که در همه زمینه های زندگی مادی و معنوی، خیرخواه آنان باشد، و هر کس را می تواند از تباهی و سقوط دنیایی و آخرتی رهایی بخشد، و کامیابی و خوشبختی را ارزانی همگان دارد.

این مسئولیت بزرگ پاسداری از حیات مادی و معنوی انسانها، تکلیف هر انسانی نسبت به انسان دیگر است، و زنده کردن دیگران است در زندگی مادی و معنوی و این زندگی بخشیدن به فرد است که با زندگی بخشیدن به همه انسانها برابر است، در منطق قرآن: *ومن أحيأها فكنأما أحيأ الناس جميعأ*: هر کس یکی را زنده کند چنان است که گویی همه مردمان را زنده کرده است.

امام باقر «ع» در تفسیر این آیه فرموده است: یعنی هر کس کسی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد. (راوی) گفتم: پس آن که از گمراهی کسی را به راه آورد چه؟ امام فرمود: *ذلك تاوئبها الأعظم*: این بزرگترین تفسیر و تأویل آیه است.

این هدایت معنوی و مسئولیت بزرگ که در تعالیم اسلامی بر آن تأکیدهای فراوان شده است، در باره اعضای خانواده و خویشاوندان - و بویژه همسران - بیشتر و لازم تر است؛ چون از سرنوشت مشترکی برخوردارند، و در برابر یکدیگر مسئولیتی دو چندان دارند، و خوبی و بدی و درستی و نادرستی آنان در دیگری تأثیری فراوان دارد. از این رو باید به دوست و همسر خود نیک بیندیشد، و اندیشه و عمل او را بررسی کند، و اگر نادرستی و

ناشایستی در این دو قلمرو دید، چشم برهم نهد، و بی تفاوت نگذرد، و رابطه دوستی، از خیرخواهی و اصلاحگری نسبت به او مانع نگردد.

بی گمان دوست و همزیست راستین انسان کسی است که از سقوط و نابودی دوست مانع گردد، و دست او را بگیرد، و از بیراهه به راه آورد. این گونه دوستان و همگامان و همراهان بسیار ارزشمند هستند، و انسان میتواند در کارها با آنها رایزنی کند، و به رأی آنان اعتماد داشته باشد، و سرانجام این گونه افراد را برای دوستی برگزیند. امام علی «ع»: لیکن آثر الناس إلیک، من أهدی الیک رشدک، و کشف لک عن معایبک: برگزیده ترین مردمان در نزد تو باید کسی باشد که تو را به راه شد و کمال ببرد، و عیبهایت را بر تو آشکار کند.

برای خشنودی همزیست دم فرو بستن، و در برابر اشتباهات او سکوت کردن با دوستیهای ریشه دار ناسازگار است، چگونه انسان میتواند دوست خود را بر لبه پرتگاه بنگرد و دست او را نگیرد؟ از این رو انتقاد سازنده کاری عقلانی است که آیین ما بدان فراخوانده است. و همین نیز نقش هدایتگری نسبت به همسر است، که سرچشمه راهیابی و زندگی درست است، و دوستی های ریشه دار نباید از ایفای این نقش غافل بماند، و همسر و همراه زندگی خویش را در گرداب کج اندیشی و بدرفتاری رها کند. براستی چشم پوشی بر عیبهای همزیست و یار زندگی، دوستی نیست، بلکه دشمنی است.

امام جواد «ع»: قد عاداک من ستر عن الرشد، اتباعا لما تهوا: آنکه راه راست را، برای دلخوشی تو، بر تو بپوشاند، دشمن تو است.

هر یک از همسران باید یار و همراه زندگی خویش را چون خود بدانند، و او را با خود یک جان در دو بدن بیندیشد، و شکوفایی و خوشبختی او را شکوفایی و خوشبختی خود بدانند، و تیره بختی او را تیره بختی خویش بشناسد، و در همه کارها و همه موقعیتهای او را در جایگاه خود قرار دهد.

امام صادق «ع» - به روایت از امام علی «ع»: مسلمان آئینه مسلمان است؛ پس اگر از برادر خود لغزشی دیدید برای او همچون خود او باشید، و او را هدایت و نصیحت کنید، و نسبت به او مهربان و خیرخواه باشید.

البته راهنمایی و هدایت همزیست باید با شرایط و اخلاق اسلامی باشد، شرایطی که درباره «امر به معروف و ...» آموزش داده شده است. مهمترین آنها این است که در دیدگاه دیگران و حضور جمع نباشد، بلکه در تنهایی و لحظه های باهمی، و با خوش لفظی اشتباه کاری های او را یادآور شود، و با منطق و استدلال راهکار درست را به او بنمایاند.

این بالاترین ارزش در زندگی باهمی است و برترین نگاهبانی و پاسداری از همزیستان است و باید سرچشمه جوشانی برای دلبستگی و دلدادگی در خانه و خانواده باشد و دلبریهای جاودانه ای را پایه ریزی کند؛ زیرا که از حیات معنوی همسر نیز پاسداری میکند.

بود و نمود دوستی

دوست بودن و دوست داشتن درونی تنها در همسری بسنده نیست، بلکه باید همسر دوستی به نوعی نمود پیدا کند، و با شیوه های گوناگون آشکار گردد، و پرده از دل برگرفته شود، و گرمی و فروغ دوستی، یار و همراه زندگی را گرمی و روشنی بخشد، و دوست آرامش یابد، و مایه دلبستگی ریشه دار او گردد. ۱

برای رسیدن به این حقیقت باید آنچه را در درون است با کردار و گفتار بازگو کرد، و دوستی را بر زبان آورد. نه تنها در پیوند همسری، بلکه در همه ارتباط های گروهی باید هر یک از گرایش و دلبستگی دیگری آگاه گردد، و بداند که همزیست و همراه او درباری او چه نگاهی دارد، و تا چه اندازه به او دلبسته است، و او را دوست میدارد.

روشن است که دوستی پدیده ای درونی است، و این دلها و روان آدمی است که به سویی گرایش می یابد، و کسی را دوست میدارد. این حالت برای کسی روشن نیست مگر اینکه به نوعی آشکار شود، تا شریک زندگی از آن آگاه گردد، و رابطه دوستی را باور کند.

هر انسانی اگر در این چند معیار ژرف بیندیشد، همه همزیستان خود - بویژه همسران - را از ژرفای دل دوست میدارد، و در دل و درون نیز با آنان زندگی میکند:

۱. هر یک از همسران آفریده خدایند، و خداوند آفریدههای خود را دوست دارد، و این سرچشمه جوشانی برای دوستی است.

۲. همسر هر کس انسان است و انسان دوستی کمال انسانی و اسلامی است.

۳. همسر شریک زندگی و کار و یاور همسر است، و چنین یار و یآوری براسستی دوست داشتنی است.

۴. هر یک از همسران رکنی از کانون خانواده اند، و خانواده تنها بستر رشد، پویایی، سلامتی و شکوفایی انسانهاست. چنین رکن و پایه ای باید مورد دلبستگی و دلدادگی هر یک از همسران باشد.

۵. هر یک از همسران علت بی همتای تولید نسل و فرزند است، و فرزندان تنها مایه بقای فرد و جامعه بشری است. خود همسران نیز با فرزندان تداوم می یابند؛ زیرا که آنان به گونه ای تداوم هستی پدر و مادرند. این نیز انگیزه نیرومندی برای دوستی و دلبستگی است.

۶. انسان تنهاست، و در ماتم از غم تنهایی. این همسر و فرزندان هستند که آدمی را از تنهایی رهایی می بخشند، و دمساز و انیس و مونس او می گردند. |

۷. زندگی با یار و دلداری به نام همسر، تکلیفی خدایی است، که خداوند این تکلیف را بر دوش یکایک انسانها نهاده است، و همگان در صورت توان باید به این تکلیف گردن نهند، و سنت و قانون خدا را با همه هستی محترم شمرند.

اینها و انگیزه های معنوی و مادی دیگری زمینه ساز دوستی های بی مانندی است که میان همسران پدید می آید، و با آغاز زندگی مشترک این دوستی ها ژرف تر و شکوفاتر می شود، و به دلربایی و دلبری نزدیک تر می گردد.

امام صادق «ع»: لا غنی بالزوجه فیما بینها و بین زوجها.. عن ثلاث خصال... : وإظهار العشق له بالخلافة...: زن با همسر موافق خود از سه چیز (و خوی) بی نیاز نیست: ... (یکی این است) که عشق خود را به شوهر با خوش زبانی آشکار سازد.. انگیزه دوستی در روش دلبری، افزون بر دلباختگی های طبیعی و جنسی، باید بر خدا باوری استوار باشد، تا با گذر زمان، و رخت بر بستن برخی طراوتها و شادابی های جوانی، از میان نرود، و کم رنگ نگردد، و خاستگاهی معنوی داشته باشد، تا همیشه پایدار بماند، و پس از مرگ نیز باقی باشد. و چنین عواطف اصلی باید اظهار شود، و به یکدیگر آن را بازگو کنند. |

در برخوردهای اجتماعی (و در مقام نعدوستی و مردم گرایی)، باید عواملی را به کار بست که دوستی ها سست و زودگذر نباشد، و به درون نفوذ کند. در این منظور، اظهار محبت و دوستی، بسیار کارساز است... باید درون دل را آشکار ساخت، و به صراحت گفت: دوستت دارم. اظهار کردن دوستی و محبت، در تداوم بخشی به دوستی نقشی بسزا دارد»!

امام باقر «ع» و امام صادق «ع» در مسجد مدینه نشسته بودند که مردی از آنجا گذشت. یکی از همنشینان حاضر به امام گفت: به خدا سوگند، که من این مرد را دوست میدارم.

امام باقر «ع» فرمود: خوب، به او بگو. اظهار دوستی، دوستی را پایدارتر میسازد، و برای همزیستی و رفاقت بهتر است.

دوری از خودمحوری

همسران آنگاه که زندگی باهمی را آغاز میکنند، از فرد بودن بیرون می آیند، و به جمع بودن میگرایند. در این هنگام باید توجه داشته باشند که یک نفر و یک اندیشه و یک تصمیم گیرنده نیست؛ بلکه دو نفر و در اندیشه و دو تصمیم گیرنده، مدیریت خانواده را بر عهده دارد، و باید با همکاری، و هم اندیشی زندگی کنند، و در بزرگ و کوچک کارها، از تکروری و خودمحوری و خودبینی بپرهیزند.

پس از ازدواج اگر خودبینی و تکروری وجود داشته باشد، همگامی و همراهی ظاهری و صوری تحقق یافته است، نه حقیقی و واقعی؛ زیرا که در اندیشه و عمل یک رأی و نظر ملاک قرار گرفته است، و به رأی همزیست دیگر توجهی نشده است؛ این است که در ظاهر باهمی است، و در حقیقت تک روی و تنهایی و با این روش چگونه ممکن است دلدادگی و دلربایی پدید آید؛ زیرا احترام به اندیشه و رأی همزیست است که بنای همبستگی و دوستی را پایه ریزی میکند.

بنابر این برای تحقق زندگی های اصولی و باهمی، باید هم رأیی و هم اندیشی و همکاری وجود داشته باشد. و این نوع زندگی در پرتو رایزنی و مشاوره صورت میگیرد، و با این روش است که همسران احساس میکنند که در دید شریک زندگی خود، جایگاهی بلند و ارزشمند دارند و رأی و اندیشه هر دو مشکل گشای زندگی است. در غیر این صورت همراه زندگی، احساس میکند کاره ای نیست، و در نظر همسر ارزشی ندارد، و چنین بینشی اساس دوستی و یگانگی را برهم میریزد.

این موضوع در همه زندگی های گروهی وجود دارد، از دولتها و جامعه های بزرگ گرفته، تا جامعه کوچک خانواده که از زنی و مردی تشکیل شده است. زمامدارانی که تکروری کنند، و خودمحور و خودکامه باشند، از ملت بیگانه اند، و توده مردم با آنان همبستگی چندانی ندارند، و دلباخته آنان نیستند. اینکه می نگریم حکومتهای استبدادی نزد مردم محبوبیتی ندارند به همین علت است.

در خانه و خانواده نیز وضع چنین است، و خودرأیی و تکروری بیگانگی به بار میآورد، و ره آورد هم رأیی و هماندیشی و رایزنی در کارها، دل بستگی و یگانگی است، و این سرچشمه جوشان دلدادگی و دوستیهای زوالناپذیر میگردد در آموزه های اسلامی، تعالیمی حیات بخش درباره رایزنی آمده است، و ابعاد فردی و گروهی

آن شکافته شده است، و آن را بهترین پشتیبان در کارها شمرده اند: امام علی «ع»: لا مظاهره أوثق من المشاورة: هیچ همپشتی مطمئن تر از مشورت کردن نیست.

خودرأیی و از خود راضی بودن، نادانی و نابخردی به شمار آمده است: امام علی «ع»: كفى بالمرء جهلا، أن يرضى عن نفسه: برای اثبات نادانی شخص همین بس که از خود راضی باشد.

آن کس که تنها به اندیشه خود تکیه کند، و مدیریت زندگی را تنها خود برعهده گیرد، نابود گشته است.

- امام علی «ع»: من استبد برأيه هلك: به هر که خودرأیی کند و خودکامه باشد) نابود گردد.

با رایزنی است که عقل دیگران و طرح و برنامه‌های آنان به 'یاری انسان می آید.

امام علی (ع): من شاور الرجال شارکها فی عقولها: هر کس با مردمان رایزنی کند در عقل آنان شریک شود.

قرآن کریم در سه - و بنا بر تفسیری، چهار - آیه به رایزنی فراخوانده است، و در مورد آن درباره رایزنی در خانواده و مشورت با زنان است.

.. فان أرادا فصلا عن تراض و تشاور فلاجناح علیهما... ۱. « . و اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاوره با

یکدیگر فرزند را از شیر باز گیرند مرتکب گناهی نشده اند...

«تشاور» رایزنی دو طرف و دو همسر است، و تبادل فکری که باید میان آنان باشد، و از تک روی و خودمحوری دوری شود.

از جمله حکمت‌های این آموزش قرآنی، پایه ریزی همکاری در خانواده، و پدید آوردن یگانگی و دلبستگی میان همسران است، تا زمینه دوستی‌هایی پایدار هموار گردد، و روش دلبری را بیاموزد، و مرد و زن را یکی و یگانه سازد.